

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۰۸ / سال دهم / بهمن ماه ۱۴۰۰ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



۱۴۰۰ مسان سازی سال  
چما شش ۲۲  
تاق خود نگیریم  
از پا نمی نشینیم  
سندیکای فلزکار مکاتیل

تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم





ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آزر سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۰۸  
سال دهم / بهمن ۱۴۰۰ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی ص ۷

نان، همبستگی، پیروزی اتفاق خواهد افتاد! ص ۲۴

یکشنبه های اعتراض ص ۲۸

امروز گریه کردم! ص ۳۲

گذشته چراغ راه آینده است ص ۳۳

تولدت مبارک نساجی بزرگ ص ۳۶

«دستخوش» به صدا و سیما به چه منظوری؟ ص ۳۷

سرگذشت جوان ترین سندیکالیست جهان ص ۳۸

گلایه ص ۴۱

زنان به عراق می روند تا نان و سبزی بفرروشند! ص ۴۲

شهرام محمدی شهرام فداکار ص ۴۴

از جنبش کارگری جهانی بیاموزیم! ص ۴۵

مسئولیت اجتماعی! ص ۴۸

# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس

[sfelezkar.com](http://sfelezkar.com) و کانال رسمی سندیکا در تلگرام

به آدرس کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعه کنید

## بازگشت به گذشته تحقیرآمیز امکان ندارد!

با افزایش تورم و گرانی هر روزه که منجر به اعتراضات از اوایل سال گردیده است، متأسفانه مدیران جامعه به جای حل مشکلات معیشتی مردم دست به ارباب زده و پلیس سیاسی برای توقف اعتراضات به میدان آمده است .

پس از اعتراضات ۱۲۰ هزار نفره کارگران پروژه ای (کمپین ۱۰/۲۰) در تابستان امسال بسیاری از فعالان این کمپین با تهدیدهای پلیس سیاسی روبرو شده و حتا بخشی از این فعالان با همدستی پیمانکاران تاکنون بیکار مانده اند .

کنشگران جنبش بازنشستگان هم بارها با تهدیدهای پلیس سیاسی روبرو شده و تعدادی از آنان بازداشت گردیدند که با اعتراضات وسیع بازنشستگان آزاد شدند .

در یکماهه اخیر پس از مرگ عامدانه بکتاش آبتین عضو موثر کانون نویسندگان در زندان، احضارها باز هم فزونی گرفته است. اعضای فعال سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران نیز آماج این احضارها قرار گرفته اند .

پرونده سازی برای هر کسی که فعالیت در زمینه عادلانه کردن معیشت و زندگی دارد از سوی پلیس سیاسی به یک امر عادی تبدیل گشته است.

آنچه بی تردید بازگشت به آن غیرممکن است، زندگی رقت باری است که سیاست های ضد کارگری نئولیبرالی توسط مدیران سیاسی و اقتصادی جامعه برایمان متصور شده است. ما اینگونه حرکات غیرقانونی را محکوم کرده و بر مطالبات انسانی خود پافشاری کرده و دست همه زحمتکشان را برای اتحاد و بهبودی معیشت و گذر از این شرایط غیر انسانی می فشاریم. نه به نولیبرالیسم، شعار همه زحمتکشان ایران است .

گسترده تر باد همبستگی همه‌ی زحمتکشان      پیروزباد عدالت و برابری

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران/بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی

بازنشستگان صنعت چاپ/بازنشستگان شهاب خودرو/بازنشستگان مستقل

۸ بهمن ۱۴۰۰

قزوین

## مرگ عامدانه بکتاش آبتین عضو کانون نویسندگان ایران یک قتل سیاسی و محکوم است!



در این پندار می‌گردی  
 که من در گور خواهم خفت،  
 عبث! پندار موهومی است  
 من از تو پیش‌تر در خانه خواهم ماند،  
 کنار جام و آتشدان.  
 مگر آواز میمیرد؟  
 مگر شعر و ترانه دفن خواهد شد؟

مرگ عامدانه بکتاش آبتین عضو کانون نویسندگان ایران یک قتل سیاسی و محکوم است.

ضمن تسلیت به کانون نویسندگان ایران و خانواده گرامی این کنشگر با ارزش، حمایت همه جانبه خود را از اقدامات کانون نویسندگان ایران و خانواده این جانباخته فرهنگی در عرصه های قضایی و سیاسی را اعلام می داریم.

روانت شعله ای گردد فرو سوزد پلیدی را



**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

**بازنشستگان سندیکای کارگران بافنده سوزنی**

**بازنشستگان صنعت چاپ**

**بازنشستگان شهاب خودرو**

**بازنشستگان مستقل قزوین**

۱۹ دیماه ۱۴۰۰

## هدایت سازمان تامین اجتماعی به قمارخانه بورس!

سوق دادن تامین اجتماعی به فعالیت هایی از نوع خرید و فروش و یا ورود در بازار بورس و مشابه آنها چه معنی دارد؟!

تا آنجا که به بخش بهداشت درمان و دارو مربوط می شود دولت ها و شهرداری ها بعد از انقلاب می توانستند بجای فروش زمین های دولتی بی ارزش به بنیادها و سرمایه داران زمین خوار و دامن زدن به بورس بازی در زمینه مسکن، بخشی از این زمین ها را بطور رایگان در اختیار سازمان تامین اجتماعی قرار دهند و با پرداخت بدهی ها و افزایش سهم مشارکتی خود، این سازمان را در سوق دادن به سرمایه گذاری در احداث کارخانه های تولید دارو و تجهیزات پزشکی، اصلاح نظام توزیع دارو و درمان و نیز احداث بیمارستان ها و مراکز درمانی در سراسر کشور یاری دهند. بی تردید چنین سیاستی می توانست به هسته مرکزی نظام فراگیر درمان و سلامت همگانی تبدیل شده و در جذب بسیاری از تحصیل کردگان بیکار کشور در رشته های پزشکی موثر افتد!

پس چرا بجای استفاده از این توان تخصصی، سازمان تامین اجتماعی را وارد بازارهای بورس و فعالیت های غیرتخصصی سوق دادند و در عوض این نوع فعالیت های تخصصی را به دلالتان دختر، پسر، داماد، وزیر و مافیای حکومتی سپرده اند؟ دولت می توانست و می بایست بجای فروش ارز به نرخ دولتی به دلالتان مافیایی برای ورود دارو و توزیع سودورزانه این نیاز مردمی کشور، واردات کالا و توزیع آن را به نرخ دولتی و در مراکز تامین اجتماعی به رایگان واگذارد. روشن است که در این صورت تامین اجتماعی می توانست در بهداشت و درمان یکی از پیشرفته ترین شبکه بهداشت و درمان برای مردم ایران را به نمایش گذارد. واگذاری این نوع سهام به تامین اجتماعی به نوعی هدایت منابع مالی آن به سوی دلالتی است. منابعی که متعلق به کارگران و بیمه شوندگان این سازمان است و باید در خدمت بهبود زندگی آنان قرار گیرد، زیرا کارگران خود از نابسامانی های موجود مطلع ترند و با گوشت و پوست خود آن را حس می کنند. هرچند کارگزاران دولتی نیز از همه مطلع ترند اما خود را به جاهلیت می زنند.

بدون حضور سندیکا و سازمان های سندیکایی مستقل نمی توان از گشایش و پیشرفت سازمان تامین اجتماعی سخن گفت.

پیش به سوی احیای سندیکا‌های کارگری

با هدف ارتقا بخشیدن به سطح زندگی عموم مردم و ریشه کن کردن فقر و نابرابری

## بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی تهران

بازنشستگان فلزکارمکانیک

بازنشستگان صنعت چاپ

بازنشستگان شهاب خودرو

۱۹ دیماه ۱۴۰۰

### سوئیس، بالاترین حداقل حقوق در جهان؛ ۲۵ دلار در ساعت

◆ اکثریت در همه پرسی در ژنو سوئیس به حداقل دستمزدی برابر با ۲۵ دلار در ساعت رای مثبت دادند. این بالاترین نرخ حداقل دستمزد در جهان محسوب می شود. براساس اعلام دولت سوئیس، ۵۸ درصد رای دهندگان در ایالت ژنو با ۲۳ فرانک سوئیس به عنوان حداقل دستمزد رای دادند. این میزان دستمزد به درخواست و حمایت اتحادیه های کارگری با هدف "مبارزه با فقر، یکپارچگی اجتماعی و ارج نهادن به کرامت انسانی" در نظر گرفته شده است.

## سال نو بر زحمتکشان جهان شادباش!



امید که در سال جدید بتوانیم همگام با همه زحمتکشان جهان به دستاوردهای جدیدی برسیم. بی تردید با وجود کنفدراسیون اینداستریال این امر شدنی است.

دست همه زحمتکشان عضو اینداستریال را می فشاریم و به آنان شادباش می گوئیم. درود ما به رهبری فهیم و تلاشگر اینداستریال.

سالی که رفت حاصل مبارزات ماست و سالی که خواهد آمد سال برنامه ریزی برای آینده فرزندانمان و مهین عزیزمان است.

از یاد نخواهیم برد برادران و خواهران زندانی مان را، خانواده هایی را که بدون دریافت دستمزد پذیرای پدر خانواده هستند و خانواده هایی را که در حوادث شغلی کشته شدند. اما عشق به زحمتکشان هرگز ما را نخواهد فرسود.

امید که از اشتباهاتمان درس گرفته باشیم و سال جدید را پرتلاش و با عشق به زحمتکشان و اتحاد شروع کنیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اول ژانویه ۲۰۲۲



## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



### گزارش هایی از پروژه های نفت و گاز

#### ۱- پیگیری های کمپین ۱۰/۲۰ ادامه دارد!

در ادامه پیگیری های نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای آقای مازیار گیلانی نژاد در رابطه با تخلفات پیمانکاران که در نامه های ۹۳۵۳۱ به تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۵ و ۱۴۹۷۸۷ به تاریخ ۱۴۰۰/۸/۱۷ به بازرسی وزارت کار نوشته شده بود، امروز ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ نامه دیگری برای ریاست بازرسی وزارت کار آقای مظفری به شرح زیر به شماره دبیرخانه ۱۹۸۲۲۹ داده شد:

«بنام دادگر، حضور محترم ریاست بازرسی وزارت کار آقای مظفری

با سلام احتراماً، پیرو نامه به شماره ۱۴۹۷۸۷ به تاریخ ۱۴۰۰/۸/۱۷ که برای شما ارسال کردیم و همچنین پیرو نامه به شماره ثبت وزارتی ۹۳۵۳۱ به تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۵ که از سوی ۱۹۱۰ کارگر پروژه ای به آن وزارتخانه ارسال گردیده بود و متعاقب دیداری که با آقای دکتر قبادی مسوول روابط کار آن وزارتخانه داشتیم و همچنین نامه آقای شاه کرمی معاون وزیر به شما برای بررسی نامه های داده شده به وزارتخانه جهت بررسی تخلفات پیمانکاران، متأسفانه متوجه شدیم کارشناس شما آقای بسطامی عنایتی به مواد ۸۵ و ۹۶ و بند الف و ب و تبصره ۲ ماده ۹۶ و مواد ۹۸ و ۱۰۱ نداشته اند و نامه بدون بررسی از سوی شما مسکوت گذاشته شده است و ۱۹۱۰ کارگر پروژه ای از

اجرا شدن مواد قانون کار گفته شده محروم گشته اند. لذا بدین وسیله برای بار دوم خواهشمندیم ضمن مطالعه دقیق خواسته ها و تخلفات مکرر پیمانکاران و زیر پا گذاشته شدن قوانین کار، پاسخی در خور دریافت کنیم. با سپاس

مازیار گیلانی نژاد نماینده کارگران پروژه ای»

در ساعت ۹ و ۲۴ دقیقه صبح امروز آقای ملکی نیا معاونت بازرسی کل وزارت کار با آقای گیلانی نژاد تماس تلفنی گرفته ضمن تایید موارد قانونی استناد شده در نامه، اعلام کردند: «این بازرسی تمام تلاش خود را برای جلوگیری از تخلفات پیمانکاران در پروژه ها به کار خواهد بست و بی تردید یکی از وظایف اداره بازرسی بازدیدهای دوره ای از پروژه هاست. در اداره کار بوشهر پرونده شما در حال رسیدگی می باشد» گیلانی نژاد از ایشان درخواست نمود: «گزارشی از بازرسی های صورت گرفته توسط بازرسان را با موارد تخلفی که کارگران داده اند به ما بدهید تا ما به کارگران اعلام کنیم و یا اینکه وقتی را تعیین کنند تا در نشست اسناد جدیدی از تخلفات پیمانکاران به آن اداره کل ارایه گردد».

## ۲- کمپین ۱۰/۲۰ همچنان الهام بخش کارگران نفت و گاز!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۳۵۰۰ کارگران پتروشیمی سازند اراک خواستار یکسان سازی قراردادهای هستند. این کارگران که با قراردادهای متفاوت مشغول به کار هستند خواهان طرح طبقه بندی مشاغل و اعمال ضریب ریالی، حق فراورش، فوق العاده حق جذب، یکسان سازی قراردادهای هستند. بعد از اعتصاب سراسری ۱۰۰ هزار کارگر پروژه ای در تابستان که به کمپین ۱۰/۲۰ معروف گشت، کارگران با قراردادهای مختلف نیز شروع به اعتراض به نحوه قراردادهایشان کرده اند و خواستار همسان سازی قراردادهایشان شده اند.

## ۳- حقوق کارگران باید بر طبق کمپین ۱۰/۲۰ باشد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از تاریخ ۷ دی ماه ۱۴۰۰ بعد از پرداخت دستمزد کارگران پتروشیمی متانول کاوه شهرستان «دیر» استان بوشهر، که

حداقل حقوق طبق قانون کار را می‌گیرند، کارگران اعتصاب کردند. خبر این اعتصاب و متوقف ماندن تولید مسولین از جمله فرماندار و رئیس اداره کار و دستگاه‌های امنیتی شهرستان را برای رسیدگی به مشکلات حقوقی کارگران وارد شرکت پتروشیمی متانول کاوه کرد. مسولین با حضور در بین کارگران از نزدیک با کارگران گفتگو کرده و با دیدن فیش حقوقی کارگران، قول پیگیری و رفع این مشکل را دادند. اینکه مسولین واکنش نشان داده و میان کارگران آمدند نشانه خوبی است، اما کارگران نباید پیگیری مشکلات خود را فراموش کنند. طبق مقررات کمپین ۱۰/۲۰ همه کارگران شاغل در نفت و گاز باید بر طبق کمپین حقوق دریافت کنند و از مفاد آن بهره‌مند گردند.

#### ۴- تسلیت و همدردی!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در ۲۳ دیماه انفجاری در مخازن روغن یک کارخانه در اشتهارد کرج رخ داد که ۳ نفر از کارگران پروژه ای هفشجانی کشته شدند. ما ضمن همدردی با خانواده این کارگران، تسلیت خود را به خواهران و برادران هفشجانی اعلام داشته و امیدواریم با تلاش هایمان بتوانیم تمامی مراکز کاری را به ایمنی مجهز کرده و نمایندگان کارگران در این واحدها به این امر نظارت کنند.

اعضای سندیکای کارگران فلزکار مکانیک خوزستان

کارگران پاییننگ و اکیپ پروژه ای ها (طراحان کمپین) ۲۴ دیماه ۱۴۰۰

## ۵- بدقولی کارفرما بی پاسخ گذاشته نخواهد شد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت Otcc شرکت جویبار نصب که در زمان اعتصاب تابستان قول اجرای کمپین ۱۰/۲۰ را داده بود با بدقولی به کارگران آنها را عصبانی نموده است. روز کار را ۲۳ روز به جای ۳۰ روز اعلام کرده اند و همچنین حقوق ها را بسیار کمتر از حقوق کمپین منظور کرده اند. بطور مثال مونتازکار مخزن که دستمزدش ۲۷ میلیون باید باشد به ۱۵ میلیون کاهش داده اند. بی تردید این بدقولی و شیادی شرکت Otcc بی جواب گذاشته نخواهد شد. ما به کارگران توصیه می کنیم ضمن حفظ خونسردی خود با اتحاد کار را تعطیل کرده تا اجرا شدن مفاد کمپین اعتصاب کنند. ما همراه و پشتیبان شما هستیم. کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک خوزستان

## ۶- فریاد کمپین ۱۰/۲۰ خاموش شدنی نیست!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران میدان نفتی یادآوران در اعتراض به اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل و عقب افتادن حقوق ها، در روز ۲۹ دیماه دست به اعتصاب زدند. کارگران شرکت ایران افق میدان نفتی یادآوران شهر هویزه خواسته های خود را چنین اعلام کرده اند:

۱- اجرای طرح طبقه بندی و اصلاح کلی قراردادها (شامل پایه حقوق، مزایا و...) ۲- پرداخت مابه التفاوت طرح طبقه بندی مشاغل از ابتدای ابلاغ طرح

طبقه بندی تاکنون ۳- محاسبه سنوات با آخرین پایه حقوق سال جاری ۴- اصلاح نوبت کاری و رعایت (۱۴\_ ۱۴ اقماری و تعطیلی روزهای پنجشنبه) ۵- باز پرداخت حقوق مرخصی های استفاده نشده طبق قانون کار و ۹ روز مرخصی استفاده نشده سال ۹۹ ۶- با توجه به عدم تغییر قرارداد پرسنل در زمان قرنطینه کرونا، نیروهای شرکت بصورت ۳۰ روز کار بوده اند باید اضافه کاری ۲۴۰ ساعت قرارداد به مدت ۲ سال از ابتدای کرونا محاسبه و پرداخت گردد ۷- اجرای و پرداخت پاداش سالیانه، پاداش تولید، پاداش اورهال، سختی کار (منطقه مرزی\_ آلودگی هوا\_ طولانی بودن مسیر رفت و برگشت) ۸- رعایت عنوان شغلی بر اساس شغل و مدرک تحصیلی و سوابق کاری واقعی پرسنل و اعمال در سامانه بیمه تامین اجتماعی ۹- اصلاح محل کاری در قرارداد و سامانه بیمه تامین اجتماعی ۱۰- اصلاح دستمزد پرسنل شرکت ایران افق در این میدان نفتی طبق عرف پروژه های نفت و گاز

کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک خوزستان ضمن آرزوی موفقیت برای این کارگران، حمایت خود را از آنان اعلام می کنند.

#### ۷- نامه یک کارگر پروژه ای به سندیکا!

«سلام خدمت دوستان پروژه ای، الان دم عیده و خودتونم میدونین کار پیدا کردن سخته، من در پتروشیمی مروارید عسلویه و برای شرکت ساپک و علی لیموچی کار میکنم که دیروز همه ی کارگرا اخراج شدن و البته جا داره از آقای علی لیموچی تشکر کنم که حقوق بر اساس کمپین زدند. ولی این وسط آقای علی لیموچی بی تقصیر بود و شخص ساپک احتمالا طبق شنیده ها قراره پیمونکاری بیارن که پشت بکنه به کمپین. به حمایت شما نیازمندیم تا جلوی این حق خوری ها گرفته بشه و کسی با حقوق زیر کمپین کار نکنه. الان طبق برنامه قراره پولمونو بگیریم اما فعلا جوابی از طرف کارفرما داده نشده و تعداد صد نفر نیروی کار در بلا تکلیفی محض هستیم. لطفا اطلاع رسانی کنید و اجازه داده نشه پیمونکاری با حقوق زیر کمپین نیرو جایگزین کنه، با تشکر.»

طبق گزارش هایی که به سندیکا رسیده است، پیمانکاری به نام قیصری پس از بازدید از وضعیت کار، قیمت زیر کمپین داده است.

از همه کارگران این پروژه می خواهیم که زیر بار دستمزدهای زیر کمپین نرفته و از دیگر کارگران هم می خواهیم به این پروژه برای کار نروند تا برادرانمان بتوانند به خواسته های خود برسند .

کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در خوزستان

## ۸- نمایندگان کارگران را آزاد کنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز در دومین روز اعتراضات کارگران پتروشیمی رازی واقع در منطقه نفتخیز ماهشهر که به عقب افتادن حقوق ها معترض بودند و همچنین تعدادی از نمایندگان کارگران را به محل کار راه نداده بودند، مطلع شدیم امروز نیز از ورود ۳ کارگر دیگر جلوگیری شده که منجر به اعتصاب گردید. اسامی بخشی از نمایندگان کارگران بدین شرح است: مهدی طبیعی، علی ساجدی نژاد، علی البوغیبشیان، هادی سرهانی، توفیق احمدی، محمدرضا صالحی، سید هاشم شبیبی، احمد عساکره .

طبق مقررات کمپین در سال گذشته کارفرمایان، به رهبران کمپین قول داده بودند دستمزدها دیگر عقب نخواهد افتاد. ما ضمن حمایت از خواسته های کارگران پتروشیمی رازی خواهان ورود نمایندگان کارگران به سرکار خود هستیم.

کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در خوزستان

## ۹- پتروشیمی ها و پالایشگاه تهران در اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پالایشگاه تندگویان تهران، پتروشیمی ایلام، پتروشیمی رازی منطقه ویژه سربندر، کارگران در اعتراض به پایمال شدن حقوقشان دست به اعتصاب زده اند.

از صبح امروز در پالایشگاه تندگویان تهران ۱۸۰۰ کارگر به دلیل اجرا نشدن طبقه بندی مشاغل از امروز دست به اعتصاب زده و در محوطه پالایشگاه تجمع کرده اند.

مدیریت پتروشیمی ایلام ۲۰ نفر از کارگران را می خواهد اخراج کند چرا که برای ۱۵ روز کار فقط می خواهد ۱۵ روز حقوق بدهند و استراحت و مرخصی کارگران را نادیده گرفته که کارگران را خشمگین و آنان دست به اعتصاب زده اند.

در پتروشیمی رازی منطقه ویژه سربندر که دومین روز اعتصاب را پشت سر می گذارد کارگران به دلیل عقب افتادن حقوقشان دست به اعتصاب زده بودند که با اخراج و راه ندادن ۸ نفر از همکارانشان، این اعتصاب چهره دیگری به خود گرفته و کارگران نه تنها خواهان پرداخت دستمزدشان در سر هر ماه هستند بلکه خواهان به سرکار آمدن کارگران اخراجی نیز هستند.

اجرا نشدن درست قوانین کار و دور زدن قانون و نادیده گرفته شدن این خلاقکاری ها از سوی وزارت نفت و وزارت کار باعث خشم کارگران شده است. باز هم می گوئیم آنان که باد می کارند، جز توفان خشم کارگران نصیبی نخواهند برد. کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در خوزستان از خواسته های برادران کارگیشان حمایت کرده و همکاری که برای رسیدن به این پیروزی ممکن باشد را انجام خواهند داد.

## ۱۰- شرایط در پتروپالایش ابوالفارس همچنان خوب نیست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت بین المللی پتروپالایش ابوالفارس که چندی پیش با گزارش سندیکا، منجر به آمدن بازرسان اداره کار و حتا مهندس حبیبی خراسانی مدیرعامل شرکت به محل پروژه گردید و با کارگران دیدار کرده و قول هایی مبنی بر بهبودی وضعیت به آنان داد، شوربختانه همچنان دستمزدها کمتر از ۴ میلیون بابت ۹ ساعت کار روزانه که هفته ای ۲۱۶ ساعت می گردد بدون اضافه کاری به کارگران پرداخت می شود. این شرکت از دادن قراردادها به کارگران خودداری کرده و می گویند: «شرکت خصوصی است و از جیب خودمان دستمزدها را می دهیم و اگر ناراحتی برو بیروت. اخراج»

مدیران این شرکت از محرومیت منطقه سواستفاده کرده و به دلیل نبود شغل کافی و بیکاران زیاد حتا از دادن مرخصی ۲/۵ روز در ماه به کارگران خودداری می کنند. مدتهاست دسر از ناهار کارگران هم ناپدید شده است و می گویند: «اینگونه کارها هزینه بر است»

آیا بازرسان اداره کار نباید این امور را که تخلف آشکار از قانون کار است را پیگیری و دست متخلف را کوتاه کنند؟

## ۱۱- کمپین ۱۰/۲۰ زنده است و پیروز!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به گزارش روز ۵ بهمن از شرکت سایک و اعتصاب این کارگران، با خبر شدیم کارفرما مجبور شد حقوق آذرماه و دیماه را پرداخت کند. امیدواریم همبستگی کارگران باز هم ادامه پیدا کرده و در صورت اعتصاب، کارگران دیگر به سر کار برادران خود نروند تا آنان پیروز شوند.



در عسلویه پتروشیمی فراسکو متاسفانه کارگران را با حيله به آنجا برده و قول دستمزدهای طبق کمپین می دهند ولی نه قرارداد می بندند و نه دستمزدها را رعایت می کنند و بعد از پرداخت دستمزدها به دلخواه خود، تلفن های خود را خاموش می کنند. از همه همکاران تقاضا داریم تحت هیچ عنوان برای آقای اسدی در فراسکو کار نکنند که هرکس رفت آنجا با دست خود سند بردگیش را امضا کرده است. اضافه کاری زوری و اگر هم اعتراض کردی فوری تسویه می کنند. وضع خوابگاه و غذایش هم افتضاح است. شیش نفر توی یک اتاق. خوابگاه هم در شیرینو هست.

همچنین با خبر شدیم کارگران شرکت تهران جنوب هلدینگ خلیج فارس هم ۴ روز است به دلیل نگرفتن ۴ ماه حقوق در اعتصاب هستند.

امیدواریم که این دوستان هم موفق شوند.

## نکات حقوقی دریافت چک و سفته از کارگران

◆ از دیدگاه حقوقی متاسفانه هیچ منع قانونی برای گرفتن چک و سفته تضمینی از سمت کارفرما وجود ندارد. اما کارگران حتما باید در چک و سفته این عبارت را «برای تضمین و حسن انجام کار است» درج کنند. در یکی از بندهای قرارداد ذکر شود که چک و سفته بابت حسن انجام کار به صورت امانت به کارفرما سپرده می شود.

## اخبار ایران خودرو



### ۱- سختی کار، مشکل اصلی کارگران ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، سختی کار کارگرانی که در پیمانکاری های راستین خدمت، تعاونی خاص، آی پاچی کار و پی پاک کار می کنند همچنان در هاله ای از ابهام است. کارگرانی که سالها در فرایند کار سخت و زیان آور روزگار گذرانده اند امروز با مشکل بازنشسته نشدن روبرو گردیده اند. این در حالی است که کارگران بسیاری از اوایل سال بالاخره بازنشسته شده اند که فقط در اواسط آذر ماه ۷۱ نفر دیگر نیز بازنشسته شده و کار این افراد به دوش کارگران شاغل افتاده است. موضوعی که مدتهاست اعتراض کارگران را برای استخدام نکردن کارگران جدید در پی داشته است.

ایران خودرو با تایید نکردن سختی کار این کارگران که فقط پیمانکاری پی پاک ۴۰۰ کارگر را تحت پوشش دارد و ندادن مبلغ ۴ درصد حق سخت و زیان آور بودن این کارگران به سازمان تامین اجتماعی طی ۲۰ سال سود خوبی به جیب زده است. کارگران شاغل با این تصمیمات ضد کارگری تحت استثمار شدیدی قرار دارند.

### ۲- ایران خودرو و استخدام!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، طی دو ماه آذر و دی ۴۳۵ نفر دیگر به جمع بازنشستگان ایران خودرویی اضافه شد و این به معنای خروج این عزیزان از چرخه خط تولید بوده و کارشان به دوش دیگر کارگران افتاده است. این در حالی

است که ایران خودرو برای استخدام راننده لیفتراک و کارگر ساده آگهی زده و باید این افراد کمتر از ۲۵ سال داشته باشند اما در آگهی ذکر نشده که چند نفر کارگر می خواهد استخدام کند.

با توجه به فشار کاری و فرسودگی بیش از حد کارگران متاسفانه مدیریت برای کمتر هزینه کردن و سودآوری بیشتر، از استخدام کارگران جایگزین چند سالی است طفره رفته است. در آذرماه سال جاری کارگران خطوط طی پیغامی به مدیریت از کمی کارگر در قسمت های مختلف اعتراض خود را اعلام کردند.

امیدواریم مدیریت ایران خودرو صدای ما را شنیده و زودتر دست به استخدام کارگر بزند.

### ۳- اعتراض، اتحاد، پیروزی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت تام ایران خودرو که یک شرکت دانش بنیان و وابسته به شرکت ایران خودروست مجبور به تن دادن به خواسته های کارگران خود شد. کارگران این شرکت طی یکماه اعتراض که به صورت های مختلف از جمله نخوردن غذا و فرستادن عکس آن به مدیرعامل شرکت، روزی ۱۵ دقیقه تعطیلی کار و قدم زدن در محوطه صورت گرفت خواستار عزل مدیر و افزایش حقوق ها و رعایت شان کارگیشان بودند. در روز ۲۵ دیماه مدیرعامل طی نشستی با نمایندگان ۹ قسمت این شرکت ضمن عزل مدیر خواسته شده قول ۵ درصد افزایش حقوق از سرماه و اجرا شدن همه خواسته را داد.

کارگران با تردید به این قول ها واکنش نشان داده اند.

امید که این پیروزی کامل تر شود.

## جذب بی ضابطه ی نیرو در شرکت های اقماری مجتمع مس سرچشمه!



براساس گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، پیرو فراخوان های قانونی شرکت ملی صنایع مس برای جذب نیرو و برگزاری آزمون، روند جذب نیرو در شرکت های اقماری نظیر “افق” و “همگامان” بدون رعایت مسیرهای قانونی و رابطه ای است.

شرکت های نامبرده، به صورت موردی و ظاهراً فقط با استفاده از روابط مدیران در چندین مرحله اقدام به جذب نیرو نموده اند و مصاحبه های تصنعی برگزار می نمایند.

روزانه، شاغلین در شرکت مس شاهد ورود نفرات جدیدی هستند که بنا بود با آزمون های اعلام شده ی قبلی جذب گردند؛ اما به صورت رابطه ای جذب می گردند.

شایعه هایی مبنی بر شناسایی افرادی در بدنه ی این شرکت ها پخش شده که روایت می نمایند، آنها با دریافت پول های هنگفت از نفراتی که جذب می نمایند، به اخذی از نفرات پرداخته اند. ابهام در جذب بی رابطه، این گمان زنی ها را ایجاد کرده است.

گزارشگر پیام سندیکا – مجتمع مس سرچشمه

## اعتصاب در تراکتورسازی تبریز و قالب های صنعتی سایپا!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا از روز شنبه ۹ بهمن کارگران شرکت موتورسواران تراکتورسازی تبریز دست به اعتصاب زدند. با توجه به بدقولی های مدیریتی سرگردان کردن کارگران با قول های بدون پشتوانه کارگران خواستار تغییر مدیرعامل جدید شرکت موتورسازان تراکتورسازی تبریز می باشند و تقاضای افزایش حقوق های وعده داده شده را دارند.

در شرکت قالب های صنعتی سایپا بیش از ۲۰۰۰ کارگر در اعتراض به تأخیر در پرداخت حقوق ها، افزایش نیافتن دستمزد و کارانه و استخدام فامیلی توسط مدیرعامل دست به اعتصاب زده و دستگاه ها را روشن نکرده اند. البته کارفرما نصف طلب کارگران را ساعتی بعد برای شکستن اعتصاب واریز کرد، اما کارگران دست از اعتصاب نکشیده و خواهان تسویه کل طلب خود هستند. با قول های داده شده مقرر شد چنانچه مدیریت تا روز ۱۱ بهمن تسویه حساب نکند دوباره کارگران دست به اعتصاب بزنند.

## کارخانه پارس سرام در آستانه تعطیلی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارخانه پارس سرام به دلیل برخی مشکلات صنفی و فروش نرفتن محصولاتش متأسفانه در آستانه تعطیلی قرار گرفته است. مسئولان کارخانه پارس سرام اعلام کرده اند به دلایل شیوع بیماری کرونا و تعطیلی های مکرر از سوی ستاد کرونا و فروش نرفتن محصولات تولیدی کارخانه و به تبع آن پرداخت نشدن حقوق کارگران، احتمال تعطیلی کارخانه در روزهای جاری محتمل است. برخی از کارگران می گویند مسئولین کارخانه، سهام این شرکت را در بورس به فروش رسانده و از سود حاصله، اقدام به پرداخت حقوق می نمودند، اما با توجه به تعطیلی های اخیر، سهام این کارخانه به شدت افت داشته که همین امر موجب گردیده، مسئولین شرکت توان پرداخت حقوق کارگران را نداشته باشند.

تعداد کارگران این کارخانه حدود ۹۱۱ نفر است که تعداد محدودی از آن ها به صورت رسمی و سایرین به صورت قرارداد یک ساله مشغول به کار هستند

## در شرکت سداد چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بدنبال گزارشی که از پروژه زیرساخت راه آهن مبارکه (اصفهان) به شهرکرد (چهارمحال بختیاری) با پیمانکاری شرکت سداد به اطلاع رسید و در آن قید گردید که رانندگان، تعمیرکاران و کارگران به دلیل چندین ماه عقب افتادگی حقوق خود دست به اعتصاب زده و به عنوان اعتراض درمقابل استانداری اصفهان تجمع نمودند و با دادن وعده پرداخت حقوق به سرکار بازگشتند. با پرداخت یک ماه حقوق و اخراج عده ای از اعتصاب کنندگان کار ادامه یافت و از آن زمان تا اوایل دیماه تعداد نیروی کار این شرکت در این پروژه از حدود ۵۰۰ نفر به کمتر از ۱۵۰ نفر کاهش یافت و مسئولان دلیل این کار را پرداخت نکردن پول توسط کارفرما عنوان نمودند. چنین به نظر می رسد که در سال ۱۴۰۰ هیچ مبلغی از طرف وزارت راه در خصوص این پروژه به حساب این شرکت واریز نشده است. در چند مورد هم کامیون به جای طلب پیمانکاران جزء به آنها فروخته شده است.

۱۵ دیماه هم باقیمانده نیروی کار این شرکت که حدود ۱۰۰ نفر بودند بار دیگر دست به اعتصاب زده و خواهان حقوق معوقه خود شدند و اعلام کردند: «کار ما به استخوان رسیده و دیگر جایی برای گرفتن پول قرضی سراغ نداریم» اعتصاب با این شرایط پایان یافت که تا ۲۵ دی، یک ماه حقوق به حسابها واریز شود و تا روشن شدن تکلیف شرکت کار تعطیل می شود.

یک ماه حقوق پرداخت شد و کارگاه هم به مدت نامعلوم تعطیل، که بی تردید کمتر از چند ماه نیست.

از ۲۵ دی ماه تا امروز ۲۷ دی ماه تجمع در مقابل در ورودی کارگاه ادامه دارد و کارگران خواهان حقوق معوقه خود هستند. یادآوری می شود شرکتی دیگر به نام «ویسا» که ادامه زیرسازی را از سفید دشت به شهرکرد را انجام می دهد نیز با همین مشکل مواجه شده و کار را تعطیل کرده است.

## اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



۱- تعدادی دیگر از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد با احضاریه‌ی شعبه دو دادسرای امنیت باید به پلیس امنیت مراجعه کنند



مطابق احضاریه‌های شعبه دو دادسرای اوین، آقایان حسن سعیدی، داود رضوی، رضا شهابی، ناصر محرمزاده، علی قربانیان و محمد اصلاغی باید به پلیس امنیت مراجعه کنند. پیش از این نیز یازده تن از دیگر کارگران و اعضای سندیکا، آقایان امیر تاخیری، عطا باباخانی، حسین کریمی سبزواری، ابراهیم حیدری، وحید فریدونی، محمد قاسمی، بهروز عبرتی، شهرزاد گلپور، اسداله سلیمانی و سید مجتبی صادقی با احضاریه‌های مشابه در روزهای ۵ و ۶ بهمن به پلیس امنیت مراجعه کردند که در بازجویی‌ها برای عدم مشارکت در

فعالیت‌های سندیکایی، عدم شرکت در اعتراضات و عدم ارتباط با آقایان حسن سعیدی، داود رضوی و رضا شهابی تحت فشار و تهدید قرار گرفته بودند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه فشار و تهدید کارگران و اعضای سندیکا، برای عدم فعالیت و متوقف شدن سندیکا و عدم مشارکت در اعتراضات کارگران را قویا محکوم می‌کند.

**۲- اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد در مراجعه به پلیس امنیت برای عدم فعالیت سندیکایی و شرکت در اعتراضات تحت فشار و تهدید قرار گرفتند.**

طی روز پنجم و ششم بهمن، بیش از ده تن از اعضای سندیکا، با توجه باینکه از سوی شعبه دوم دادسرای امنیت اوین، به پلیس امنیت احضار شده بودند، به پلیس امنیت مراجعه کردند. بازجویان پلیس امنیت با فشار و تهدید اصرار داشته: دست از فعالیت‌های سندیکایی بردارند، در اعتراضات مشارکت ننمایند و با چند تن از اعضای پیشرو شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد ارتباط نداشته باشند.

همزمان با افزایش آمادگی مشارکت کارگران شرکت واحد در اعتراضات و فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد به تجمع در مقابل شهرداری تهران در روز ۲۸ آذر، تماس‌های تلفنی تهدیدآمیز و احضار فعالین سندیکایی از سوی حراست شرکت و پلیس امنیت آغاز شد ولی کارگران اعلام کردند، بدون احضاریه کتبی قضایی مراجعه نخواهند کرد، در مواردی تماس‌های تهدید آمیز پلیس امنیت به خانواده اعضای سندیکا نیز صورت گرفته است. طی روزهای گذشته احضاریه‌های شعبه دو بازپرسی دادسرای امنیت اوین مبنی بر مراجعه اعضای سندیکا به پلیس امنیت در اختیار حراست شرکت واحد قرار گرفت تا به فعالین سندیکایی ابلاغ گردد اما از آنجا که کارگران به درستی می‌دانستند که ابلاغ احضاریه‌ها توسط حراست با هماهنگی‌های صورت گرفته به این دلیل



است که نهادهای امنیتی قصد داشته‌اند از این طریق فضای ارباب در شرکت واحد را توسط حراست گسترش دهند به حراست شرکت واحد مراجعه نکردند، چرا که به دلیل فعالیت‌های سندیکای کارگران شرکت واحد طی ۱۸ سال گذشته و انتقال آگاهی‌ها به کارگران، ابهت پوشالی حراست به شدت آسیب دیده و کارگران همچون گذشته از حراست هراس ندارند. نهایتاً ابلاغ‌ها توسط مدیریت‌های مربوطه به کارگران صورت گرفت.

هرچند این میزان از فشارها و تهدیدهای صورت گرفته مسیر ادامه اعتراضات را با دشواری‌هایی مواجه می‌کند اما سندیکای کارگران شرکت واحد بنابر تجربیات گذشته اعلام می‌کند، سندیکا در این موج فشار و تهدید هم توسط اعضایش حفظ خواهد شد و بنا بر آگاهی از وضع موجود اعلام می‌کند در صورت عدم بازنگری در طرح طبقه‌بندی مشاغل و عدم پرداخت دیگر مطالبات کارگران، اعتراضات ادامه خواهد داشت.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه موج اخیر فشارها و تهدیدها توسط نهادهای امنیتی قضایی علیه اعضای سندیکا را قویا محکوم می‌کند و از کارگران و رانندگان می‌خواهد، حق بدیهی خود در داشتن سندیکای مستقل کارگری و برگزاری اعتراضات جمعی را با قدرت پیگیری نمایند.

## منشور حقوق سندیکایی کارگری:

◆ کارگران حق دارند سندیکاهای کارگری تشکیل دهند، به سندیکاهای موجود بپیوندند و بی آنکه اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد، در هر فعالیت سندیکایی شرکت کنند. کارگران حق دارند در محل کار خود یا در هر جای دیگر گرد هم آیند، به مذاکره بنشینند و عقاید خود را در خصوص تمام مسائلی که به آنان مربوط است، آزادانه ابراز دارند.

## نان، همبستگی، پیروزی اتفاق خواهد افتاد!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۲۳ دیماه ۱۴۰۰ از ساعت ۱۰ صبح طبق فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، آموزگاران در مقابل مجلس دست به تجمع و اعتراض زدند. نیروهای انتظامی و پلیس سیاسی در پیاده‌روها بطور منظم ایستاده بودند. بیشتر آموزگاران یک خودکار به عنوان اعتراض در دستان خود به حالت مشت گرفته و شعار می‌دادند: معلم داد بزن/ حق تو فریاد بزن - فریاد، فریاد/ از این همه بیداد - وزیر بی کفایت/ استعفا، استعفا - معلم زندانی/ آزاد باید گردد و با انتقاد از همکاری که در این تجمع حضور نداشتند، شعار میدادند: همکاری بی تفاوت/ بپاخیز، بپاخیز.

تجمع معلمان در تهران نسبت به تجمعات گذشته که پلیس با آن برخورد خشن داشت را کنار گذاشته بود و به ظاهر این نوع برخورد، از تجمع اعتراضی چند روز قبل کارکنان قوه قضائیه در مقابل مجلس حضور داشتند بوجد آمده بود. یکی از سخنرانان فرهنگی هم در قسمتی از صحبت‌های خود به آن اشاره کرد، اینکه در تجمع آنها شعارها خیلی تندتر از تجمع ما بوده... در این تجمع بیشترین زمان سخنرانی مربوط به آقای داودی از فرهنگیان با حدود ۲۵ سال سابقه، که با سخنان خود حضار را به وجد می‌آورد و معترضان با شعارها و کف زدن‌ها سخنان ایشان را تایید میکردند. یکی از سخنران‌ها هم آقای ناصر آقاجری بازنشسته پروژهای بود که تقریباً در چند دقیقه پایانی سخنان تندی در باره بندهای قانون اساسی و صندوق بین‌المللی پول که ایران هم عضو آن است ایراد کرد. ایشان این دولت را ناکارآمد و به نوعی بی‌کفایت خطاب کردند و بطور صریح

بیان کردند: «این آقایان قادر نیستند مملکت را اداره کنند. و تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را جایگزین قانون اساسی کردند» و در پایان، خواستار بازگشت به قانون اساسی شدند.

جمعی از اعضای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران نیز در همبستگی با آموزگاران در این تجمع حضور داشتند.

## نان، همبستگی، پیروزی ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا امروز دوشنبه چهارم بهمن ماه ساعت ۱۰ صبح تعداد زیادی از بازنشستگان فرهنگی در میدان فاطمی مقابل سازمان صندوق بازنشستگی کشوری تجمع کردند. و شعار می دادند: «این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی / فریاد، فریاد... از این همه بیداد... / کشوری، لشگری، تامین اجتماعی... اتحاد اتحاد»

با سخنرانی تعدادی از فرهنگستانی که از بیست سال پیش همدیگر را می شناختند و هر هفته دوشنبه ها در پارک شهر تهران در این تجمعات شرکت می کردند ولی از دو سال پیش که با شیوع کرونا این تجمعات قطع شده بود، امروز دوباره پس از دو سال یکدیگر را پیدا کرده بودند. آنها بعد از سخنان اعتراض آمیز تعدادی از همکاران از جمله آقای نورایی و کریمی که خواستار حضور آقای اسکندری مدیرعامل صندوق بازنشستگی بودند و با خواندن قطعنامه ای که خواسته هایشان در آن منعکس شده بود از تجمع کنندگان خواستند که پس از قرائت قطعنامه متفرق نشوند که از آقای اسکندری بخواهیم بیایند و در مورد مشکلات ما پاسخ بدهند. فرهنگیان و بازنشستگان وقتی دیدند کسی از مسئولین صندوق پاسخگوی آنها نیستند خود تصمیم گرفتند که به طور دسته جمعی وارد ساختمان صندوق بازنشستگی شوند و جواب سوالات خود را بگیرند. در سالن

کنفرانس ساختمان که در طبقه نهم بود جمع شده و خواستار حضور آقای اسکندری شدند. مسئولین که در رده معاون و حسابرس صندوق بودند، تاکید میکردند که آقای اسکندری الان میایند. یکی از معاونان صندوق بازنشستگی به عنوان پاسخگو به بازنشستگان کمی درباره بیمه تکمیلی صندوق بازنشستگی کشوری صحبت کرد. که بازنشستگان به صحبت‌های او معترض بودن و هر دم خواستار حضور خود آقای اسکندری مدیرعامل صندوق بازنشستگی بودن.

بعد از گذشت نیم ساعت و انتظار در این سالن کنفرانس در نهایت آقای اسکندری حضور پیدا نکرد و معترضان با خشم و فریاد سالن را ترک کردند. آنها فریاد میزدند که ۴۲ سال است که هیچکس به ما جواب نمی دهد. خانم محمدی یکی از بازنشستگان فرهنگی که حالت عصبی شدیدی داشت و دائم بر روی میز می کوبید که: «من بیمار شدم و هر روز یه مشت قرص اعصاب میخورم پول ندارم که دندان هایم را درست کنم» بعضی از بازنشستگان می گفتند که ما حتی کرایه ایاب و ذهاب آمدن به اینجا را هم نداریم. در این زمان دیگر بازنشستگان ناامید و خشمگین از سالن و ساختمان صندوق خارج شدند.

در این تجمع عده ای از بازنشستگان فلزکار مکانیک نیز برای همبستگی با خواسته های این بازنشستگان به تجمع آمده بودند. این تجمع در ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه خاتمه یافت.

### نان، همبستگی، پیروزی حتمی است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۱ بهمن طبق فراخوانی که کانون صنفی معلمان از هفته پیش اعلام کرده بود معلمان تهرانی در مقابل مجلس گردهم آمدند. ابتدا آقای نورایی چند دقیقه ای سخنرانی کرده سپس آقای داودی یکی دیگر از معلمان صحبت کردند. قبل از سخنرانی پلیس سیاسی دستگاه تقویت صوتی

را بردند و سخنرانی برای دقایقی بدون دستگاه صوتی و در انبوه جمعیت که هر لحظه به تعداد آنها افزوده میشد، به تاخیر افتاد. تا اینکه دوباره یک دستگاه تقویت صدا دیگری آوردند و آقای داودی به این موضوع اشاره کرد و گفت: «الان ما در این تجمع که قانونی هست شرکت کرده ایم و باید صداوسیما در اینجا حضور داشته باشد و صدا و خواسته ی قانونی ما را منعکس کند» که با تشویق و کف زدن جمعیت با شعارهای: «صدا و سیمای ما / ننگ ما ننگ ما - معلم زندانی آزاد باید گردد - مسئول بی کفایت/ استعفا استعفا - اگر باهم نباشیم/ یکی یکی خم میشیم - معلم بپاخیز/ برای رفع تبعیض» همراه شد.

سپس در مقام معلم که شغل انسان سازی است صحبت نمود و در بخش دیگر جمله ای از آقای رئیسی بیان کرد که در سخنان انتخاباتی خود گفته بود: «من مثل رئیس جمهورهای قبلی نیستم که...» و در این بخش مردم با شعار دروغه دروغه، صحبت هایش را قطع کردند.

یکی از خانم های فرهنگی مطلبی شعرگونه خواند که خیلی به دل حاضران نشست و در انتها شعر همراه شو عزیز کین درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمیشود، خوانده شد .

یکی دیگر از معلمان به نام احمد حیدری نیز سخنانی پرشورتر برای جمعیت کرد و ایشان هم با تشویق و شعارهای جمعیت و کف زدن مردم همراه بود. قطعنامه پایانی توسط یکی از معلمان قرائت گردید که انصافن قطعنامه پرباری بود. این تجمع در ساعت ۱۲ ظهر به پایان رسید. مطلع شدیم پس از متفرق شدن جمعیت، پلیس سیاسی آقای حیدری و تعدادی از معلمان را بازداشت می کنند که نهایتا پس از ساعاتی آزاد شدند.

در این تجمع جمعی از بازنشستگان مستقل تامین اجتماعی و گروه بازنشستگان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک نیز جهت همبستگی با آموزگاران حضور داشتند.

## یکشنبه های اعتراض در رشت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در روز یکشنبه ۱۲ دیماه در بلوار گلزار رشت، ساعت ۳۰/۱۰ دقیقه بیش از صد نفر از بازنشستگان مقابل سازمان تامین اجتماعی با شعارهای «این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی و شعارهایی به زبان گیلکی خواسته های صنفی خود را فریاد زدند. در میان این شعارهای خود خواهان آزادی اسماعیل گرمی و زندانیان بازنشسته شدند. در پایان طی بیانیه ای از ریاست تامین اجتماعی درخواست اجرای ماده ۹۶ داخلی تامین اجتماعی و دائمی شدن همسان سازی قید شده بود که به امضا حاضرین رسیده و تحویل مدیر کل تامین اجتماعی گیلان شد. تجمع بعد از ۱ ساعت با همان نظمی که شکل گرفته شده بود به کار خود پایان داد.

## یکشنبه های اعتراض!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در یک اقدام فرصت طلبانه خانه کارگر نیز روز یکشنبه ۲۶ دیماه را روز اعتراض به مصوبات ضد کارگری در مقابل مجلس اعلام نمود. از هفته قبل گروههای مستقل بازنشستگان در شهرهای مختلف روز ۲۶ دیماه را روز تجمع اعلام کرده بودند. در این روز بازنشستگان فولاد اصفهان، تهران، و لوئیس (فولاد البرز غربی) در مقابل صندوق های خود دست به تجمع زدند. بازنشستگان خرم آباد، قزوین، رشت، کرمانشاه، اهواز نیز

در مقابل ادارات کل تامین اجتماعی دست به تجمع زدند. در تهران بازنشستگان خانه کارگری و بازنشستگان مستقل نیز با شعارهای خود در مقابل مجلس حاضر شدند. از چند روز گذشته تعدادی از فعالان بازنشستگان مستقل تهرانی از سوی پلیس سیاسی تلفنی تهدید به عدم حضور در این تجمع شده بودند.

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری به ریاست حسن صادقی که برای حضور بازنشستگان عضو خود چندین دستگاه اتوبوس و امکانات صوتی و بزر تبلیغاتی تدارک دیده بودند. در این تجمع، سخنرانان اصلی این برنامه حسن صادقی و علی خدایی بودند. آقای علی خدایی، نماینده کارگران در شورای عالی کار در بخشی از سخنان خود گفتند: «بنده به عنوان نماینده کارگران و بازنشستگان در شورای عالی کار به دوستانمان در کمیسیون تلفیق اعلام می‌کنم ما زیر بار دستمزد هایی که آقایان با هیاهوی رسانه‌ای به دنبال الحاق آن بر جامعه کارگری و بازنشستگی هستند نرفته‌ایم و نخواهیم رفت» و در مورد دستمزد ها گفت: «چه اتفاقی افتاده که تا دیروز افرادی به دنبال این بودند که دستمزد باید افزایش پیدا کند ولی امروز یک عده از تورم‌زا بودن دستمزد حرف می‌زنند. اگر موضوع کسری بودجه هست کسری بودجه در دولت های قبل هم بوده است»

شعارهای بازنشستگان در این تجمع عبارت بود از: بازنشسته بیدار است/از تبعیض بیزار است – تا حق خود نگیریم/از پانمی نشینیم – کمیسیون تلفیق/بودجه ما کجا رفت؟

در رشت از ساعت ۱۰ صبح بازنشستگان در جای همیشگی خود در مقابل تامین اجتماعی آمده و در هوای سرد بارانی با حضور بیش از ۸۰ تن با شعارهایی برای تامین معیشت اعتراض شروع شد. بازنشستگان خواستار عیدی کارگری و میزان حقوق در سال جدید برابر وضعیت معیشت و با در نظر گرفتن نرخ تورم بودند. یکی از بازنشستگان می گفت: «من تا آخر ادامه خواهم داد باید حرف ما را بشنوند این وضعیت قابل ادامه نیست اگر نمی‌توانند کاری برای ما انجام دهند بهتر است ما را بکشند. در پایان تظاهرات حدود ساعت ۱۲ بازنشستگان یک صدا شعار «اسماعیل گرامی آزاد باید گردد» را سر داده و به تجمع خود پایان دادند.



## یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا یکشنبه ۱۰ بهمن در شهرهای قزوین، مشهد، کرمانشاه، خرم آباد، اهواز، رشت، تبریز و صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان بازنشستگان تامین اجتماعی تجمع کردند. این بازنشستگان به عدم اجرای همسان سازی در سال جاری و وضعیت خراب معیشتی خود اعتراض نمودند. در قزوین بیش از ۱۵۰ بازنشسته با پهن کردن سفره و زدن قاشق به قابلمه های خالی شعار یه اختلاس کم بشه/ مشکل ما حل میشه اعتراض خود را بیان کردند.

در تبریز که بیش از ۲۰۰ بازنشسته تجمع کرده و به سخنان آقای اصدقی گوش می دادند با شعار مرگ بر بیات اعتراض خود را به بی عرضگی علی اصغر بیات اعلام کردند.

در رشت از ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه تجمع بازنشستگان غیر همکار تامین اجتماعی گیلان با بیش از ۲۰۰ نفر از بازنشستگان مطالبه گر گیلان که با پهن کردن سفره ای نمادین، اعتراض به عدم توجه به خواسته های بر حق خود، فریاد عدالت خواهی سردادند. و با شعار «این همه بی عدالتی/ هرگز ندیده ملت و یک اختلاس کم بشه/ مشکل ما حل میشه و گرانی تورم بلای جان مردم» به حاکمیت و دولتمردان فهماندن که ریشه همه بی عدالتی را خوب می شناسند و در آخر با



شعار «اسماعیل گرمی آزاد باید گردد/ کارگر زندانی آزاد باید گردد» به تجمع خود پایان دادند. این تجمع حدود ۱ ساعت طول کشید در آخر تشکر ویژه از نیروهای امنیتی بابت خویشتن داری و حفظ امنیت تجمع را با سر دادن نیروی انتظامی تشکر تشکر ابراز کردند. هر چند روز گذشته تنی چند از بازنشستگان گیلانی را به پلیس سیاسی برده و به آنان تذکر اکید در مورد شرکت نکردن در تظاهرات را داده بودند.

### عزل بیات نماینده بازنشستگان تامین اجتماعی ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از عزل علی اصغر بیات نماینده بی عرضه بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی توسط بیش از ۵۰۰ تن از بازنشستگان تهرانی امروز ۱۹ دیماه بازنشستگان اهوازی نیز با امضای طوماری ۲۰۰ نفره او را از نمایندگی خود عزل کرده و نامه عزل را به در کانون عالی بازنشستگان به شماره ۲۰۵۵۹۸ ثبت کردند. متن نامه عزل بدین شرح است:

کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی!

با سلام و احترام، بدینوسیله اینجانبان امضا کنندگان شهر اهواز به دلیل عدم انجام موثر وظایف آقای علی اصغر بیات طی ۱۸ سال متمادی خواهان برکناری ایشان از سمت ریاست آن کانون عالی هستیم. موارد زیر از جمله قصورهای نامبرده در انجام وظایف هستند:

۱- کاهش ارایه خدمات درمانی سازمان تامین اجتماعی از جمله حذف تعداد کثیری از داروها از لیست تامین اجتماعی ۲- تبدیل دفترچه های بیمه به ورق پاره ۳- پیگیری نکردن همسان سازی کامل ۱۳۹۹ که ۲۵ درصد آن اجرایی نشده است ۴- در نظر نگرفتن معیشت بازنشستگان حداقل بگیر، از کار افتاده...

رونوشت: کانون بازنشستگان تهران، وزیر امور کارو امور اجتماعی،  
خبرگزاری کارگران ایران (ایلنا)

## امروز گریه کردم!

بعضی روزها که از خودم خسته و بی پول می شوم با ماشینم در شهر مسافرکشی می کنم. نزدیکی های ظهر بود که خانمی دست بلند کرد و سوارش کردم سلام گفت. کمی که جلوتر رفتیم گفت: «حاج اقا..» گفتم: «من حاج اقا نیستم» گفت: «پولداری؟» گفتم: «عقلت کجاست اگه پولدار بودم که مسافر کشی نمی کردم» خندید و گفت: «صیغه ای نمی خواهید؟» با پوزخند گفتم: «اگر کسی پیدا کردی صیغه ای می خواست بچه هم نمی خواست منم حاضر صیغه بشم» هیچ نگفت. وقتی داشت پیاده میشد کاغذی از کیفش در آورد و گفت: «حاج اقا این شماره ی من است اگر دوستان صیغه ای خواستند زنگ بزنند» عصبانی شدم گفتم: «خانم خجالت بکش من برای تو دلال محبت بشم برو پایین» با عصبانیت پیاده شد و من گوشه ای نگه داشتم و مثل کودکی که مادر خود را گم کرده گریه کردم نمیدانم برای خودم، او، یا وطنم. فقط گریه کردم! **بازنشسته اکبر قزوینی**

### فرهنگ ایثار و شهادت موتور اصلی سازمان تامین اجتماعی می شود!

«موسوی رییس سازمان تامین اجتماعی مجله آتشکار»

ما از رییس سازمان تامین اجتماعی می پرسیم آیا برگرداندن ۱۰۰۰ قلم دارویی که از دفترچه های درمانی کارگران و بازنشسته ها حذف شده است جزیی از فرهنگ ایثار و شهادت نمی تواند باشد؟

آیا پوشش دادن همه موارد درمانی پیرمردها و پیرزنان بازنشسته و حذف بیمه تکمیلی بی خاصیت و کم کردن نگرانی همه بیمه شده های تامین اجتماعی نمی تواند جایی در فرهنگ ایثار و شهادت داشته باشد؟

آقای موسوی، اگر به این موضوع عقیده دارید پس لطفن همسان سازی حقوق بازنشستگان را که ۸۹ هزار میلیارد تومان است و آن را از دولت دریافت کرده اید، عملی کنید تا کمی سفره های بازنشسته ها رونق بگیرد.

بازنشستگان در جوانی چه در حین انقلاب و چه در زمان جنگ نشان دادند که به این فرهنگ معتقد هستند، حالا نوبت شما و دیگر مسوولین است که ثابت کنید چقدر به این فرهنگ اعتقاد دارید.

## "گذشته چراغ راه آینده است"

"در این یا آن واقعه چنان مستغرق نشویم که از سیر کل امور غافل بمانیم" راستش این جمله از زنده یاد احسان طبری مرا چنان غرق شرایط حال ایران کرد که نتوانستم بی خیال باشم و مروری بر گذشته و بعضی حرکات های فعالین عرصه های مختلف امروز نداشته باشم. آنچه از گذشته حداقل از جنبش مشروطیت تا حال مطالعه نموده ام و یا شنیده ام و به خصوص در انقلاب بهمن ۵۷ که هم در آن حضور داشته ام و به چشم خود دیده ام، یک سؤال اساسی برایم پیش آمده است: چرا با وجود نقش فعال طبقه کارگر و احزاب و گروه های سیاسی مترقی، عدالتخواه و تحول طلب و دیگر لایه های جامعه ایران که از حاکمان مستبد و وابسته به حکومت های استعمارگر و امپریالیستی آسیب دیده اند و باعث برانداختن سلسله ها و پادشاهان متعددی شده اند، چرا برای طبقه کارگر و لایه های مختلف جامعه ایران که از نظر آزادی، فقر، سرکوب، زندان و شکنجه، بهداشت، آموزش و... در رنج بوده اند همیشه در بر روی یک پاشنه چرخیده است. عده ای از حکومت خلع شده و عده ای دیگر جای آنها را گرفته با همان شیوه حکومت گذشته و البته جای قدرتهای امپریالیستی و استعمارگر هم گاهی عوض شده اند. مانند آنچه در جریان ملی شدن نفت اتفاق افتاد. البته که در این تغییرات قوانینی جدید جاری شده و تغییراتی در آموزش، بهداشت و اجتماع بوجود آمده و یا آزادیهایی مقطعی فراهم گردیده که با تثبیت قدرت حاکمان پس گرفته شده اند.

این یادآوریها از آنجا برای من اهمیت دارد که مطالبی از دوستان و یا فعالین سیاسی، صنفی و اجتماعی منتسب به چپ در شبکه های اجتماعی می بینم که جای تعجب دارد. از گذاشتن کلیپها و مطالب خواندنی در مورد فعالیت های خیرخواهانه علیاحضرت فرح پهلوی و شاهنشاه آریامهر و رضاشاه کبیر گرفته تا چپهای بریده و افتاده در دامان امپریالیسم تا اصلاح طلبان حکومتی که چشم دوخته به الطاف حاکمان ضد ایرانی غرب. اگر کمی هم دقت شود نقطه اشتراک آنها براندازی به هر صورت است. از جمله تجاوز نظامی تا بمباران ایران. این فعالیت ها اگر از جانب سلطنت طلبان، چپهای بریده و منکر امپریالیست بودن امریکا و باور داشتن به خطر امپریالیسم چین و روسیه، اصلاح طلبان چشم به قدرت دوخته از هر کتالی و به هر قیمتی باشد جای تعجبی ندارد و دیدن و شنیدن آنها در بلندگوها و رسانه های گوناگون و انحصاری غرب، طبیعی است. اما باز نشر آنها توسط افراد صادق و مبارز و ترقیخواه و فعال در مبارزات صنفی، مدنی و اجتماعی قابل چشم پوشی نیست و باید دنبال علل و عوامل آن رفت.

طبقه کارگر و مدافعان و فعالان صنفی آنان، احزاب و گروه های مترقی و مردمی، دانشجویان، زنان، قومیتها، پیروان مذاهب گوناگون که به آزادی، عدالت، استقلال به شکل واقعی آن می اندیشند و در راه تحقق آنها مبارزه می کنند باید صف خود را از شیفتگان قدرت و ثروت به هر قیمتی حتا نوکری امریکا جدا کنند و با انتخاب صحیح راه مبارزاتی در

سایه اتحاد و همبستگی به سمت رسیدن به جامعه ای مستقل، آزاد، دموکراتیک، عاری از تبعیض در تمام عرصه ها، مدرن و شکوفا حرکت کنند.

وقتی از این همه تبعیض جنسیتی، شغلی، اجتماعی، آموزشی و حقوقی که بر زنان روا داشته می شود و در این شرایط مسیح علینژاد سخنگو و الگوی بسیاری از زنان می شود و تلاش می گردد سطح خواسته های زنان به برداشتن روسری تقلیل یابد و این مهم از رسانه های تغذیه شده از غرب گاهی به خبر اول تبدیل می شود و در شبکه های اجتماعی داخلی هم بدون پرداختن به اهداف پشت پرده دامن زده می شود، حیرت آور است. وقتی جیره خواران ریز و درشت امپریالیسم و در رأس آنها امریکا به همراه چپ های بریده و اصلاح طلبان مردم فروش، منافع ملی را زیر پا گذاشته و با نادیده گرفتن تمام دخالت های استعمارگران در تحولات تاریخی ایران (حداقل معاصر) و به هدر رفتن تمام هزینه هایی که ملت ایران برای تحقق استقلال، آزادی، صلح و عدالت اجتماعی متحمل شده اند باز توقع دارند مردم ایران دنباله رو آنها باشند و گذشته را به فراموشی بسپارند و ما هم بیاییم از حداقل امکاناتی که داریم برای تبلیغ اهداف آنها استفاده نماییم صرفن به این دلیل که با حکومت زاویه دارند و یا خواهان براندازی هستند، احمقانه نیست؟

وقتی استفاده کنندگان از گرده های مردم محروم فلاکت دیده برای رسیدن به قدرت و ثروت و حکومت استبدادی می خواهند تمام دخالت های تاریخی دول امپریالیستی برای حاکمیت ظلم و زور و استبداد را از خاطره مردم پاک کنند و برعکس گزینه ای به نام امپریالیسم چین و روسیه را مطرح نمایند و خطر اصلی متوجه آنها نمایند و از طرف دیگر کوشندگان کارگری و فعالین حقوق آنها، فراموش کنند که از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون و با چه شتابی به تمامی حقوقی که کارگران و لایه های پایینی جوامع با مبارزات خود در حوزه های حقوق کار و تشکل یابی در سطح جهان به دست آورده اند چگونه روز به روز از سطح آنها کاسته می شود.

کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران. [۲۰۲۲/۰۱/۲۲:۳۰:۰۶ ب.ظ]  
تبلیغاتی که در رسانه های پر قدرت امپریالیستی علیه چین، ونزولا، کره شمالی، کوبا و ویتنام انجام می شود با همان مزامین در شبکه های اجتماعی که در آنها کارگران، معلمان، فعالین مدنی و زنان حضور دارند به وفور به چشم می خورد!!! با این توضیحات می خواهم یک نتیجه گیری حاصل گردد و آن این که:

۱- کیست که از ظلم، زور، فساد، بی قانونی، زندان، شکنجه، بی عدالتی، فقر گسترده، حاشیه نشینی، گورخوابی، اتوبوس خوابی، فرار مغزها و نخبه ها، نبود آزادی، تبعیض علیه زنان، اقوام، مذاهب و..... بی خبر باشد.

۲- چگونه و از چه راهی موارد ذکر شده را از جامعه پاک نمود؟ آیا شرایط ذهنی و عینی آن فراهم است؟ همراهان واقعی این راه چه طبقات، اقشار، گروه ها، سازمانها و جریانهایی می باشند؟

۳- آیا صرفن با براندازی حکومت مشکلات حل می شود؟ و آیا بیشترین آسیب دیده ها، بیشترین محروم شدگان از حقوق قانونی و انسانی، صنفی، سیاسی، مذهبی، جنسی، قومی، آموزشی و..... بیشترین مقدار آمادگی را برای به دست گرفتن قدرت را دارند؟

۴- آیا به اندازه کافی وقت برای مطالعه تاریخی اتفاقاتی که در جهان و با دخالت کشورهای سرمایه داری غرب اتفاق افتاده صرف کرده ایم؟ از بهار عربی گرفته تا اتفاقاتی که در برزیل، آفریقای جنوبی، افغانستان، عراق و سوریه بوقوع پیوسته و یا سرانجام خیزش مردمی در مصر و سودان و لیبی که حاکمان وقت آنها با دخالتهای زورگویانه امریکا و متحدانش از حکومت ساقط شدند، عاقبت به کجاکشید؟

نقش امریکا و متحدانش در این تغییرات چه بود؟ خواسته های سرکوب شده ملت‌های این کشورها تحقق یافتند؟

پاسخ به این سنوالات و هزاران نمونه دیگر، کمک می کند به درک بهتری از شرایط کنونی جامعه کنونی خودمان دست یابیم و به آگاهی بخشی در حوزه های فعالیت مان یاری رسانیم و گول شعارهای توخالی حقوق بشری و دمکراسی خواهی دشمنان تاریخی و نوکران شکم پرست آنها نخوریم. در فراهم نمودن اتحاد ضروری تلاشگران راه آزادی، استقلال، صلح، عدالت، رفع ظلم و ستم و فقر و نابرابری و تبعیض با هر آنچه در توان داریم بکوشیم.

امروزه اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، قضات و کارکنان قوه قضاییه، زنان، دانشجویان و در کل محرومان از حقوق قانونی خود برای رسیدن به خواسته های نادیده گرفته شده خود توسط حکومت به درجه ای از رشد رسیده اند که هم حکومت را به انواع واکنش ها مجبور ساخته و هم در جامعه امیدواری هایی ایجاد نموده که با پافشاری بیشتر بر خواسته های صنفی، سیاسی، قومی، جنسیتی، آموزشی، محیط زیستی و..... و با یافتن راههای اتحاد و پشتیبانی بتوان حکومت را به عقب نشینی واداشت و از جانب دیگر بر خواست عدم دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران پای فشرده و علت پافشاری امریکا و متحدانش بر تحریمهای ضدانسانی آنها را افشا نمود و یادآور شد که ملت و مردم گرسنه قبل از این که به فکر یافتن کلید آزادی و حقوق بشر باشند به فکر یافتن لقمه نانی هستند تا شکمشان سیر شود و این فشارهای آنها نه تنها مقدار فساد و فاصله طبقاتی و ثروت ثروتمندان را کاهش نداده بلکه بسیار بر آن افزوده و به همین نسبت هم به فقر و ناداری و محرومیت، محرومان افزوده شده است.

در پایان از عزیزی که نقطه نظرات اینجانب را نقد نمایند و اشتباهات و ضعفهای آن را گوشزد نمایند صمیمانه سپاسگزاری می نمایم.

محمد اکبری عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲ بهمن ۱۴۰۰

## تولدت مبارک " نساجی " بزرگ.

وقتی کارخانجات نساجی ساخته شد مردم اطراف از "سوادکوه" تا کنار سواحل "جویبار" و مهاجران مسلمان از شوروی و قفقاز و ارامنه به سمت شهرستان شاهی(قائم‌شهر کنونی) آمدند تا در کارخانجات نساجی مشغول بکار شوند. در جو کارگری و مهاجرنشین آن زمان فوتبال پل دوستی مردم از اقوام مختلف بود. بعد از پا گرفتن فوتبال در این شهر در سال ۱۳۱۵ اولین بازی بین کارگران کارخانجات نساجی انجام شد که در آنزمان کارگران نساجی بخاطر آنکه لباس فرمشان در کارخانه قرمز بود، لباس شان در درون میدان هم به همین صورت شد. این سر آغاز سرنوشت مردم این دیار با عشق شد. بعد از اشغال شاهی توسط شوروی در زمان جنگ دوم جهانی، مدتی زمین فوتبال نساجی مقر مرکزی پادگان ارتش سرخ در مازندران شد و بعد از خروج متفقین رومن تبدیل به استادیوم وطنی امروز شد. بالاخره در مورخ ۸ دی ماه ۱۳۳۸ با حضور شخص اول کشور و همراهانش در آنزمان باشگاه نساجی تاسیس شد و به رسمیت فیفا در آمد که سومین باشگاه فوتبال رسمی ایران در فیفا بعد از تیم (دوچرخه سواران، تاج، استقلال) و بعد (شاهین، سپاهان) اصفهان شکل بگیرد و عشق بازی با تیم محبوب مردم این دیار زحمتکش تا به امروز ادامه پیدا کند. بعد از نابودی کارخانجات نساجی، تیم فوتبال نساجی تنها امید شهر خسته می باشد تا زندگی در این شهر کوچک ادامه پیدا کند و مردمش منتظرند تا روزی رویای آسیایی شدن تیم تحقق پیدا کند و آن را با چشم خود ببینند.

**زنده باد تیم فوتبال نساجی زنده باد عشق و دوستی**

**ورزش بخشی از دستمزد کارگران است که باید خواسته و اجرایی شود!**

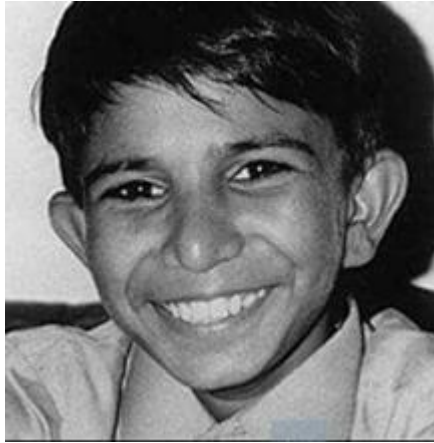
## «دستخوش» به صدا و سیما به چه منظور؟

۶ میلیارد اهدایی وزیرکار به برنامه «میدون» صداوسیما که روزگاری عبدالملکی وزیرکار در آن به داوری می‌پرداخت بسیار مورد انتقاد شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است. «دستخوش» به صداوسیما در حالی است که صداوسیما نه تنها اعتراضات سراسری کارگران پروژه‌های را منعکس نکرد بلکه به نامه ای هم که بدین منظور سال ۹۸ به صداوسیما نوشته و خواسته شد که خبرنگارانش برای دیدن مشکلات و انعکاس آن به پروژه‌ها بیایند اعتنایی نکرد. تماس‌های تلفنی کارگران پروژه ای نیز برای مسئولین صداوسیما ارزشی نداشت. این در حالی است که سال گذشته اعتراضات سراسری هر هفته ای بازنشستگان تامین اجتماعی برای همسان سازی هم برای مسئولین صداوسیما ارزش خبری نداشت.

در همین روزهایی که «دستخوش» به صداوسیما از طرف وزیرکار داده شد، اعتراضات سراسری فرهنگیان و بازنشستگان تامین اجتماعی و اعتصابات کارگری هم از سوی خبرنگاران و هم مسئولین صداوسیما با سکوت مواجه شد. آیا اینگونه «دستخوش‌ها» برای شیرین کاری‌های صداوسیما در پوشش ندادن اعتراضات زحمتکشان، نیست؟

مدت هاست وزارت کار محل رفت و آمد افراد ضد کارگری و دادن مشاوره‌های اصلاح قانون کار از سوی خیریه‌هایی که می‌خواهند هیچ قانونی برای خلاف کاری‌های ضد انسانی خود نباشد، شده است. به همین دلیل می‌شنویم اظهارات غیر عقلانی معاون وزیر که می‌گوید ۴ میلیون خط فقر است.

## سرگذشت جوان ترین سندیکالیست جهان



"جوانترین سندیکالیست" جهان درحالیکه فقط ۱۲ سال داشت به ضرب گلوله در ۱۶ آوریل ۱۹۹۵ کشته شد.

پدر روزی، مثل هر روز از خانه رفته بود اما مثل هر روز به خانه برنگشته بود، دیگر هیچ وقت برنگشته بود. بی خبر. بی نشان. شاید فرار کرده بود، فرار از میدان زندگی. شاید هم او را کشته بودند. شاید طلبکاری او را کشته بود. اما کیست که دنبال قاتل کارگری بی نام و نوا بگردد؟ از آن روز مادر ماند و دویچه. در خانه این و آن کار می کرد. نانی در می آورد که شکم دو بچه را سیر کند. زندگی، زندگی سگی بود اما هر چه بود می گذشت. اگر آن پسرک، آن برادر بزرگتر، ناگهان عاشق نشده بود می شد چند صباحی با همان لقمه نان روزگار گذراند. اما امان از بهار. وقتی بهار سر می رسد، نه تنها سگ و گربه که حتی فقرا هم عاشق می شوند. به هر حال، درست یا نادرست، برادر "مسیح" عاشق شد و تصمیم به ازدواج گرفته بود، آن هم با دست خالی. از این روز بود که فشار زندگی بر مادر و دو فرزندش بیشتر شد.

خانواده سه نفری اقبال چاره ای جز وام گرفتن از صاحب یک کارگاه فرش بافی محلی نداشت اما ضمانت باز پرداخت این وام ۱۲ دلاری اقبال شش ساله بود. به عنوان یک رسم جا افتاده بسیاری از خانواده های فقیردر پاکستان برای گرفتن وام به صاحبان کارگاه ها مراجعه می کردند و کودک خود را تا زمان پرداخت بدهی به عنوان کارگری بدون مزد در



اختیار آنان می گذاشتند. در پایان هرسال، هزینه خورد و خوراک در کنار دیگر هزینه ها و بهره ی وام به اصل بدهی خانواده اضافه می شد. در انتهای سال اول بدهی خانواده اقبال به ۲۶۰ دلار رسید و این یعنی ادامه کار بدون مزد در کارگاه فرش بافی. در این شیوه که نوعی برده داری است، رموز فرش بافی نیز از بچه ها پنهان نگه داشته می شود و بچه ها در شرایطی بسیار ناگوار زندگی می کنند. هر کدام از آن ها باید روزی ۱۴ ساعت در اتاقی کم نور با تهویه ای بسیار بد کار کنند. شیوه نشستن آن ها پشت دار قالی بافی باعث بد نرمی ستون فقرات آن ها می شود. هیچ کدام از بچه ها اجازه صحبت کردن با یکدیگر را ندارند. بازی و شیطنت های کودکانه برایشان بی معنی است و در صورت در رفتن از زیر کار یا رعایت نکردن هر یک از قانون های کارگاه تنبیه های سخت بدنی مثل از پا آویزان کردن یا حبس کردن در اتاقک تاریک، در انتظار شان هست. این وضع عوارض روحی و جسمی جبران ناپذیری را به کودکان وارد می کند. در مورد اقبال او در ۱۰ سالگی جثه ای برابر با یک بچه ۵ ساله داشت، قدش یک متر و بیست سانتی متر بود و تنها ۲۷ کیلو وزن داشت.

اما روزی که "جبهه مبارزه با کار بدون مزد پاکستان" در لاهور گردهمایی خود را برگزار می کرد و اقبال که این خبر را پیش از این شنیده بود از کارگاه فرار کرد تا بتواند در آن گردهمایی شرکت کند، و این آغاز فصلی جدید در زندگی اقبال شد. بهاری پر شور، سالی نو در زندگی فلاکت بار اقبال آغاز شد، گرچه خیلی زود به خزان نشست. اقبال دریافت که دولت پاکستان با این شیوه وام گرفتن و کار در حال مبارزه است و قانونی تصویب شده که بدهی خانواده هایی که اسیر این سیستم ظالمانه شده اند را بخشیده است. او خود را به «احسان اله خان» دبیر کل جبهه معرفی کرد و در همان روز با گرفتن نامه ای از او که در آن به لزوم آزادی کودکانی با وضعی شبیه اقبال تاکید شده بود توانست خود و بسیاری دیگر از کودکان کارگاه های فرش بافی را خیلی زود از ستم کارفرمایان آزاد کند.

بعد از این با کمک جبهه و شخص «احسان اله خان» به مدرسه ای وابسته به همین سازمان در لاهور رفت و چهار سال تحصیلی را در دو سال به پایان رساند. در این بین مبارزات خود را برای پایان دادن به کار اجباری کودکان در سراسر پاکستان آغاز کرد، کاری که به مذاق بسیاری از صاحبان صنایع کوچک و بزرگ که کودکان را بی مزد یا با مزد بسیار پایین مورد بهره کشی قرار می دادند خوش نمی آمد.

اقبال با اینکه کودکی خود را در کارگاه فرش بافی قربانی شده می یافت اما نیروی نوجوانی خود را برای مبارزه به خدمت گرفت. او با داشتن مشکلات جسمی چون نارسایی کلیوی،

خمیدگی ستون فقرات و درد در کمر و پاها در سخنرانی های متعدد شرکت می کرد به گونه ای ناشناس و به عنوان کارگر در پی شغل به کارگاه ها می رفت تا هم از وضع کودکان کارگر آگاه شود هم به آن ها حقوق قانونی شان را گوشزد کند. این مبارزه ی خستگی ناپذیر اما هر روز برایش خطر ساز تر می شد. بسیاری که روشنگری های اقبال را در تضاد با منافع خود می دیدند، بارها او را تهدید به مرگ کردند. اما او همچنان به مبارزه ادامه داد و توانست صدها کودک را از وضع نابسامان کار اجباری برهاند. اقبال به خاطر تمام تلاش هایش موفق به دریافت جایزه حقوق بشر ریپوک Reebok شد.

اما ۱۶ آوریل ۱۹۹۵ وقتی مبارزات اقبال برای آگاهی سازی و مبارزه با کار اجباری کودکان در اوج بود گلوله ای بر سینه اقبال نشست و بر عمر کوتاه و پر بارش پایان داد. زندگی کوتاه اقبال چون رنگباری بهاری بود زود پایان یافت اما باعث روییدن صدها اندیشه نو برای بالا بردن وضعیت زندگی کودکان و مبارزه با پایمال کنندگان حقوق آن ها در سراسر جهان شد.

بخشی از نامه بهمن محمصص به دختر احمدرضا احمدی:

«عزیزم: این عکس «اقبال مسیح» است؛ پسر ۱۲ ساله ای اهل پاکستان، در روز عید پاک امسال، وقتی با دوچرخه در روستایشان می گذشته کشته شد. قاتلین، اربابان قالی باف بودند که «اقبال مسیح» علیه آنان قیام کرده بود. این پسر را در شش سالگی فروخته بودند. قالی می بافت. علیه ظلم و کار سیاه (ساعات کار زیاد با مزد بسیار کم) کودکان قالی باف قد بلند کرده بود به عنوان جوان ترین سندیکالیست دنیا. پایش تا Boston University کشیده شده بود. جمله اش «من دیگر از ارباب نمی ترسم، حالا او باید از من بترسد» معروف شد. نتیجه ی قیام و مبارزه و مرگ اش این که، حالا باید روی هر قالی نوشته شود: «به دست کودکان بافته شده است». من عکس اش را چون دوستان دیگرم Genet و Malaparte به دیوار کارگاهم دارم. تو نیز این عکس را به دیوار اطقات بزن و یا در دفترت نگهدار. چرا؟ برای این که زمانه تغییر کرده است و تو به عنوان هنرمند مسئولیت بیشتری داری و برای این که تو و نسل تو چون من و نسل من سرافکننده نباشید، باید به اطرافتان به دقت بیشتری نگاه کنید.»



## گلایه

اکثر عجب شیری ها با این چهره آشنا هستند. خیلی ها از ایشان روزنامه گرفته، استخدام شده حالا بازنشسته هستند. بیش از ۵۰ سال است خادم فرهنگ و مطبوعات عجبشیر بوده و حتا حاضر نبود در دکه اش سیگار بفروشد. با همان بود و نبود سوخت و ساخت. شما حساب کنید کارمند بهزیستی در عرض ۳۰ سال بازنشست می شود آنهم روزی ۸ ساعت یا شیفتی.

شریک زندگی عباس خانم عدلی از روزی که قدم بخانه ایشان نهاده ۲۴ ساعته بدون مزد و اضافه کاری بیک انسان فرهنگ دوست و هنرمند خدمت می کنند. حالا ۴ ساله عباس خانه نشین شده است شاید اعتراض دارد، از مسئولین و ... گله دارد. ریالی درآمد ندارد. در خانه ایی زندگی می کند هر روز چند بار با آن وضعی که دارد به دستشویی که آنطرف حیاط است می رود. از آب گرم و امکانات خبری نیست. دلش از زمین و زمان پر است. خیلی ها نمی خواهم اسم ببرم با کوچکترین تلاش الان ماهی فلان قدر حقوق می گیرند. کرونا هم بهانه شده کسی دیدار حتا پدر و مادرش هم نمی رود. آیا این است مرام یک شهر فرهنگی؟ آیا یک خادم مطبوعات را چنین نگه می دارند؟ ایکاش یک روز مسئولان در خانه عباس بمانند ببینند می توانند سحر کنند؟ **کازیم عاشقی**

## زنان به عراق می‌روند تا نان و سبزی بفرروشند!

اگر یک میلیون درآمد داشتم کولبری نمی‌کردم!

بستگی دارد چند کیلوگرم بار حمل کنند، هرچه بیشتر باشد درآمدشان بالاتر می‌رود، از ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان میانگین درآمدی است که هر کولبر بعد از حدود شش ساعت پیاده‌روی کسب می‌کند، اما باید آماده عبور از مسیرهای صعب‌العبور و مواجهه با خطر سقوط، روی مین قدم برداشتن و تیراندازی باشد؛ با این وجود چرا در مرزهای غربی مردم همچنان کولبری می‌کنند؟

سیگار، چای، پارچه یا تلویزیون، بار کول می‌کنند و از راه‌های صعب‌العبور می‌گذرند؛ روزی آن‌ها از مسیر مرز است و معیشت‌شان با تیراندازی، سقوط و مین گره خورده است، «کسی که کولبری می‌رود اصلاً نباید فکر برگشتن باشد، یا روی مین می‌روی یا از کوه سقوط می‌کنی یا احتمال دارد به طرفت تیراندازی کنند، این سه خطر برای هر کولبری وجود دارد. گاهی کوله برها وقتی در کمین مرزبانی گیر می‌افتند مجبور می‌شوند راه‌شان را عوض کنند و ممکن است روی مین بروند، تعداد زیادی دیدم که عضو بدشان همین‌طوری قطع شده است.» «محمود» ۲۷ سال دارد، آرماتوربندی بلد است اما وقتی کار نداشته باشد سراغ کولبری می‌رود، می‌گوید: «اگر ماهی یک میلیون تومان درآمد داشتم خدا شاهد است هیچ‌وقت کولبری نمی‌کردم.»

روایت «محمود» قصه‌ی پر غصه‌ی نان و جان است؛ «پول نداریم، از نداشتن شغل و کار مناسب هست که دست به کولبری می‌زنیم، اگر کسی یک شغل مناسب داشته باشد هیچ‌وقت راضی به کولبری نیست. این‌جا کولبرها زن و بچه دارند، مستاجر هستند، هیچ شغلی هم ندارند، حتا اگر خطرناک هم باشد مجبور هستند کولبری کنند. یک بار در مسیر برگشت متوجه شدم چند نفری ایستاده‌اند و گریه می‌کنند، نزدیک که شدم دیدم یکی از دوستان‌شان از ارتفاع سقوط کرده و سرش

به شدت آسیب دیده است. وقتی آن لحظه را دیدم به خودم گفتم دیگر کولبری نمی‌کنم اما مجدد به خاطر بی‌پولی بار را روی کولم گذاشتم و دوباره کولبر شدم»

### از قطع نخاع شدن تا کولبری با پای مصنوعی

«ارکان» روایتی مشابه با «محمود» دارد، می‌گوید: «اگر کار داشته باشم چرا باید کولبری کنم که معلوم نیست بروی و سالم برگردی، یک لحظه پای‌ات سر بخورد تمام است، سقوط می‌کنی، هر بار می‌روم از خدا می‌خواهم سالم برگردم، هم‌اش فکر می‌کنم نکند اتفاقی برآیم بیفتند و دیگر نتوانم برای زن و بچه‌ام کاری انجام دهم...»



اگر دیگر پای رفتنمان نیست،

باری

قلعه‌بانان

این حجت با ما تمام کرده‌اند

که اگر می‌خواهیم در این سرزمین اقامت گزینیم

می‌باید با ابلیس قراری ببندیم....

## شهرام محمدی "شهرام فداکار"

از خطه گردان و دلیران، به پیکار  
 این بار یلی شهره به شهرام فداکار  
 هر جای عیان مصلحت ملت و میهن  
 مردانگی آزادگی آنجاست پدیدار  
 جان بر کف و مانند سیاوش در آتش  
 در راه نجات رفقا، جانب ایثار  
 بنمود که عشق بشری لایتناهیست  
 او جوهره ذاتی خود کرد، نمودار  
 از ایذه، آن زاگرس نامی و سرافراز  
 چون کاوه تبار و نسبش اسعد سردار  
 جان داد که صدها نفر از حادثه رستند  
 مدیون وی اموال و جانهاست بدین کار  
 شهرام فداکار بجان مشعله افروخت  
 گر پیرهن آتش زده دهقان فداکار  
 شایسته، از و فیلم بسازند و نویسند  
 یک کارگر اسوه به گفتار و به کردار  
 بنهاد قدم در ره امید و معلم  
 بر مهر خلاق و نکوداشت سزاوار  
 همدوش و همگام همه مردم ایران  
 بسرود بنامش غزلی صنف فلزکار

محمدحسین طهماسب پور (شهرک میرزا)

عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

شعر زبان مبارزه حق جویان است!

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

## از جنبش کارگری جهانی بیاموزیم!

چرا لوکوموتیورانان امسال دست به اعتصاب زدند؟

سندیکای لوکوموتیورانان در ماه مارس امسال به سیاست دوگانه هیات مدیره شرکت راه آهن آلمان اعتراض کرد. در متن این اعتراض از جمله آمده بود: «سیاست بذل و بخشش میلیونی برای مدیران شرکت و در عین حال محروم کردن کارکنان متخصص از یک چنדרغاز برای ما قابل تحمل نیست.» سندیکای لوکوموتیورانان سال پیش این خواست‌ها را در برابر کارفرما مطرح کرد: ۱/۴ درصد افزایش دستمزد برای سال ۲۰۲۱ و ۱/۸ درصد برای سال ۲۰۲۲ یعنی در مجموع ۳/۲ درصد (باید توجه داشت که نرخ تورم سالانه در آلمان معمولاً حدود ۲ درصد پیش‌بینی می‌شود). خواست نخستین سندیکای لوکوموتیورانان ۴/۸ درصد افزایش بود، ولی با توجه به توافق‌ها در سطح پایین‌تری که در بخش کارمندان دولتی صورت گرفته بود، سندیکا حاضر شد خواست خود را تعدیل کند. سندیکا به علاوه خواستار پرداخت ۶۰۰ یورو حق کرونا در سال ۲۰۲۱ شد و این به دلیل شرایط کاری دشواری بود که وضعیت بحرانی اخیر به کارگران تحمیل کرده بود. مذاکرات میان سندیکای لوکوموتیورانان و کارفرما در ماه آوریل امسال آغاز شد ولی متأسفانه پس از چندین دور مذاکرات طولانی کارفرما هیچ حسن‌نیتی از خود نشان نداد و مذاکرات متوقف شدند. وزلسکی *Weselsky* رئیس سندیکای سراسری لوکوموتیورانان سیاست کارفرما را این‌طور جمع‌بندی کرد: «این روش برای ما آشناست. بار دیگر کارفرما ماشین تبلیغاتی خود را به راه انداخت تا با یک سری حرف‌های بی‌بشترانه و سر هم کردن یک سری راست و دروغ، سندیکای ما را بی‌اعتبار سازد و در میان اعضای ما سردرگمی ایجاد کند.» او در ادامه گفت: «حقوق‌بازی، دروغ و جیب خود را پر کردن، همه این‌ها به منظور جلوگیری از انعقاد یک قرارداد عادلانه با سندیکای ما صورت می‌گیرد و هدف آن است که بتوانند جیب‌های خودشان را پرکنند.» واقعیت این است که کارفرما در نظر دارد تا مزد واقعی کارکنان را کاهش دهد، از میزان حق بازنشستگی مربوط به صندوق بازنشستگی شرکت راه آهن بکاهد و آزادی زمان‌بندی وقت استراحت کارمندان را محدود کند. در آلمان علاوه بر حق بازنشستگی عمومی و سراسری که از یک صندوق واحد پرداخت می‌شود، بسیاری از شرکت‌ها صندوق بازنشستگی مربوط به خود دارند و کارکنان آن شرکت یک حق بازنشستگی اضافی از صندوق مربوط به شرکت خود هم دریافت می‌کنند. کارفرما در نهایت تنها برای سال ۲۰۲۲ با درخواست اضافه دستمزد ۳/۲ درصد موافقت کرد. بدین ترتیب لوکوموتیورانان در سال ۲۰۲۱ هیچ‌گونه اضافه دستمزد دریافت

نخواهند کرد. به علاوه کارفرما شاغلین تازه‌وارد را از این توافق مستثنی کرد. هدف کارفرما از این کار تفرقه در میان صفوف اعضای سندیکا و برهم زدن اتحاد سندیکایی بود. روشن بود که این پیشنهاد نمی‌توانست مورد قبول سندیکا قرار گیرد. در ماه ژوئن سندیکای لوکوموتیورانان طی یک اطلاعیه، شکست مذاکرات با کارفرما را به اطلاع همگان رساند. سندیکا اعلام کرد که در مقابله با عدم همکاری کارفرما چاره‌ای جز توسل به مبارزه صنفی ندارد. سندیکا در ماه آگوست انجام اعتصاب را بین اعضای خود به رأی گذاشت. ۷۰ درصد اعضای سندیکا در این رأی‌گیری شرکت کردند و ۹۵ درصد آنها رأی به شروع اعتصاب دادند. سندیکا در اطلاعیه‌ای به مناسبت اعلام شروع اعتصاب، خواست‌های خود را مجدداً مطرح کرد. در این اطلاعیه ضمن شرح شرایط سخت کاری، آمده است: «کارکنان راه‌آهن حتی در سخت‌ترین شرایط و در فضای ناشی از شیوع ویروس همه‌گیر کرونا سر کار حاضر شدند و به کارشان ادامه دادند تا حمل و نقل توسط شبکه راه‌آهن بدون وقفه و با رعایت شرایط بهداشتی ادامه یابد. این کارکنان مستحق قدردانی و احترام هستند نه آنکه توسط مدیریت شرکت مورد توهین و تحقیر قرار گیرند» بدین ترتیب نخستین اعتصاب سراسری لوکوموتیورانان آلمان از تاریخ ۱۰ ماه آگوست و به مدت ۳ روز آغاز گردید. این اعتصاب نه تنها موجب اختلال در حمل و نقل شهری و بین شهری مسافران شد، بلکه حمل و نقل قطارهای باری را نیز مختل کرد و از این طریق موجب اختلال در فعالیت شرکت‌های صنعتی و کارخانجات نیز شد. در طول مدت اعتصاب دو سوم قطارها از حرکت بازماندند. کارفرما کوشید تا با تبلیغات فضا را مسموم کند و مردم و مسافران قطارها را علیه سندیکای لوکوموتیورانان بشوراند. رسانه‌های جمعی در ایستگاه‌های قطار حضور یافتند تا با مسافرانی که مجبور بودند ساعات طولانی در انتظار قطار بمانند، مصاحبه کنند و نظر آنها را در مورد این اختلال جویا شوند. خوشبختانه اکثریت مردم مصاحبه‌شونده تصمیم کارکنان راه‌آهن و اعتصاب را حق قانونی برای آنها دانسته و از آن دفاع کردند. پس از پایان این اعتصاب سندیکا مجدداً از کارفرما خواست تا پیشنهادی در راستای خواست‌های سندیکا ارائه دهد. متأسفانه کارفرما به این درخواست سندیکا توجه نکرد و به سیاست خاک پاشیدن در چشم کارکنان راه‌آهن و مردم آلمان ادامه داد. سندیکای لوکوموتیورانان بار دیگر خود را ناچار دید تا به مبارزه صنفی ادامه دهد و دور دوم اعتصاب را از تاریخ ۲۱ آگوست و این بار به مدت ۴ روز اعلام نماید. کارفرما از طریق رسانه‌های گروهی آلمان اعلام کرد که حاضر است خواست‌های اعلام شده از سوی سندیکای لوکوموتیورانان را بپذیرد. متعاقب این خبر سندیکا اعلام کرد، در نامه‌ای که از کارفرما دریافت کرده حرفی از پذیرش خواست‌ها نیست. در این نامه کارفرما تنها ذکر کرده که حاضر است خواست‌های سندیکا را در نظر



بگیرد و مورد بررسی قرار دهد. این موضوع با پذیرش خواست‌ها فاصله بسیار دارد و بار دیگر نشان‌دهنده سیاست دروغ و فریب کارفرما می‌باشد. وزلسکی رئیس سندیکای سراسری لوکوموتیورانان در ارزیابی نتایج اعتصاب گفت: «اعتصاب‌ها بسیار موفق بودند و حضور اعضا در آنها بسیار چشمگیر بود. در هر روز اعتصاب یک هزار قطار از حرکت باز ایستادند. در طول این اعتصاب‌ها بیش از دو هزار نفر شرکت کردند.» پس از پایان دومین دور اعتصاب، سندیکای لوکوموتیورانان آلمان اعلام داشت که طرف کارفرما متأسفانه هیچ‌گونه انعطافی در رابطه با نزدیک شدن به خواست‌های سندیکا از خود نشان نمی‌دهد. سندیکا اعلام می‌دارد که بدین ترتیب کارفرما باید نتایج اقتصادی و اجتماعی حاصل از مبارزات صنفی آتی را بپذیرد و سندیکا با وجود حسن‌نیت خود را مجبور به ادامه مبارزه صنفی می‌بیند. بدین ترتیب سندیکا چاره‌ای جز تصمیم به شروع دور سوم اعتصاب از ۱ تا ۷ سپتامبر ندید و آن را به اطلاع مردم رساند. متعاقب این تصمیم کارفرما که خود را به شدت تحت فشار می‌دید، تصمیم گرفت به دادگاه شکایت کند و از دادگاه خواست تا رأی به توقف فوری اعتصاب‌ها دهد. دادگاه این شکایت کارفرما را رد کرد و اظهار داشت که هیچ دلیلی برای منع کارکنان راه‌آهن از ادامه اعتصاب نمی‌بیند. این یک شکست مقتضانه برای کارفرما بود و موجب تقویت موضع سندیکای لوکوموتیورانان شد. کارفرما تصمیم دادگاه را نپذیرفت و خواهان برگزاری یک دادگاه تجدید نظر شد. دادگاه تجدید نظر بلافاصله برگزار شد و نظر دادگاه نخست را تأیید کرد. بدین ترتیب کارفرما در مقابله با اعتصاب سندیکای لوکوموتیورانان مجدداً با شکست مواجه شد.

#### پیشینه مبارزات لوکوموتیورانان آلمان

این نخستین بار نیست که لوکوموتیورانان در آلمان به خاطر دفاع از منافع صنفی خود به مبارزه با کارفرما می‌پردازند. آنها در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ تجربه مشابه و موفقی را از سر گذراندند که مشوق آنان در ادامه این مبارزه بود. از پاییز سال ۲۰۱۴ تا ماه مه سال ۲۰۱۵ سندیکای لوکوموتیورانان دست به ۹ اعتصاب چند روزه زد. هشتمین اعتصاب که شش روز به طول انجامید طولانی‌ترین اعتصاب بود. پس از یک مذاکره ناموفق که ۲۰ ساعت به طول انجامید، سندیکای لوکوموتیورانان اعتصاب دیگری را سازمان داد. این اعتصاب هم در بخش راه‌آهن مسافری، و هم در بخش راه‌آهن حمل‌ونقل بار به وقوع پیوست. این بار برخلاف اعتصاب‌های پیشین، سندیکا هیچ تاریخی برای پایان اعتصاب اعلام نکرد. سه روز پس از آغاز اعتصاب سندیکا اعلام کرد که کارفرما خواست‌های سندیکا را پذیرفته و سندیکا توانسته است با کارفرما به توافق برسد و در نتیجه به اعتصاب پایان دهد.

## مسئولیت اجتماعی!

دیر زمانی است که انسان‌ها شهرنشین شده و تقسیم کار اجتماعی هم صورت گرفته است. همانطوری که هر انسانی در قبال شغلی که برای درآمدزایی انتخاب کرده است، مسوول است تا حاصل تلاشش هم به نفع خود و هم به نفع جامعه باشد، مسوول است در قبال جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نسبت به مشکلاتش حساس بوده و برای رفع آن نیز بکوشد. هرچند دولت‌ها، که می‌بایست حاصل انتخاب مردم باشند بیشترین وظیفه را در قبال این مشکلات دارند اما انسانها نیز به عنوان عناصری که در این جامعه زندگی می‌کنند نیز مسوولیت دارند تا این مشکلات را دیده و منعکس کرده و برای رفع اقدام کنند و از اجزای دولت بخواهند در قبال مسوولیت‌های به عهده گرفته شده به خوبی انجام وظیفه کنند.

در این خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد نقش تعیین‌کننده‌ای در فضای مسوولیت‌پذیری، علیه فساد، پشت هم اندازی و از زیرکار در رفتن مسوولین، تذکر و پیگیری مشکلات در نهادهایی که وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهند، دارند.

آیا تاکنون ترکیدگی لوله آب در خیابان، آبگرفتگی معابر، نبود سطل زباله در فضای عمومی، تمیز نبودن سرویس‌های بهداشتی در پارک‌ها، عدم نظافت خیابان‌ها، گرانفروشی یک تولیدکننده، رشوه‌گیری یک بازرس اداره کار، قانون‌شکنی مدیران متخلف ... را به نهادهای مسوول تذکر داده ایم؟

گاه پیش می‌آید ناهنجاری را دیده ولی از مسوولیت اجتماعی خود برای رفع آن غافل می‌شویم. در اداره‌ای برای پیشبرد کار کارمند مربوطه توقع رشوه دارد و عموماً رشوه داده و گرفته می‌شود. مسوولیت ما در قبال چنین اتفاقی چیست؟ بازرسین وزارت کار، حراست‌های وزارتخانه‌ها و در کل مسوولین از اجرای

قانون طفره می روند. چه باید کرد؟ اینجاست که مسوولیت اجتماعی فرد فرد اعضای جامعه به عنوان اعتراض برانگیخته شده و در سازمان های مردم نهاد نمود پیدا کرده و مطالبه گری آغاز می شود.

مزدبگیران و در یک کلام زحمتکشان برای دفاع از حقوق اجتماعی خود چاره ای جز منسجم شدن در سندیکاهای کارگری را ندارند.

### بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

#### چرا سندیکاهای کارگری با نئولیبرالیسم مخالفند؟

بسیاری از کشورها برای فعال کردن اقتصاد خود به تشویق سرمایه گذاران خارجی می پردازند و درخواست وام از صندوق بین المللی پول می کنند. صندوق بین المللی پول برای دادن وام و یا اجازه سرمایه گذاری دستوراتی دارد که باید کشور وام گیرنده آن را اجرا کند که از این قرارند:

۱- ارزان نمودن نیروی کار یعنی دستمزدی در حد بخور و نمیر

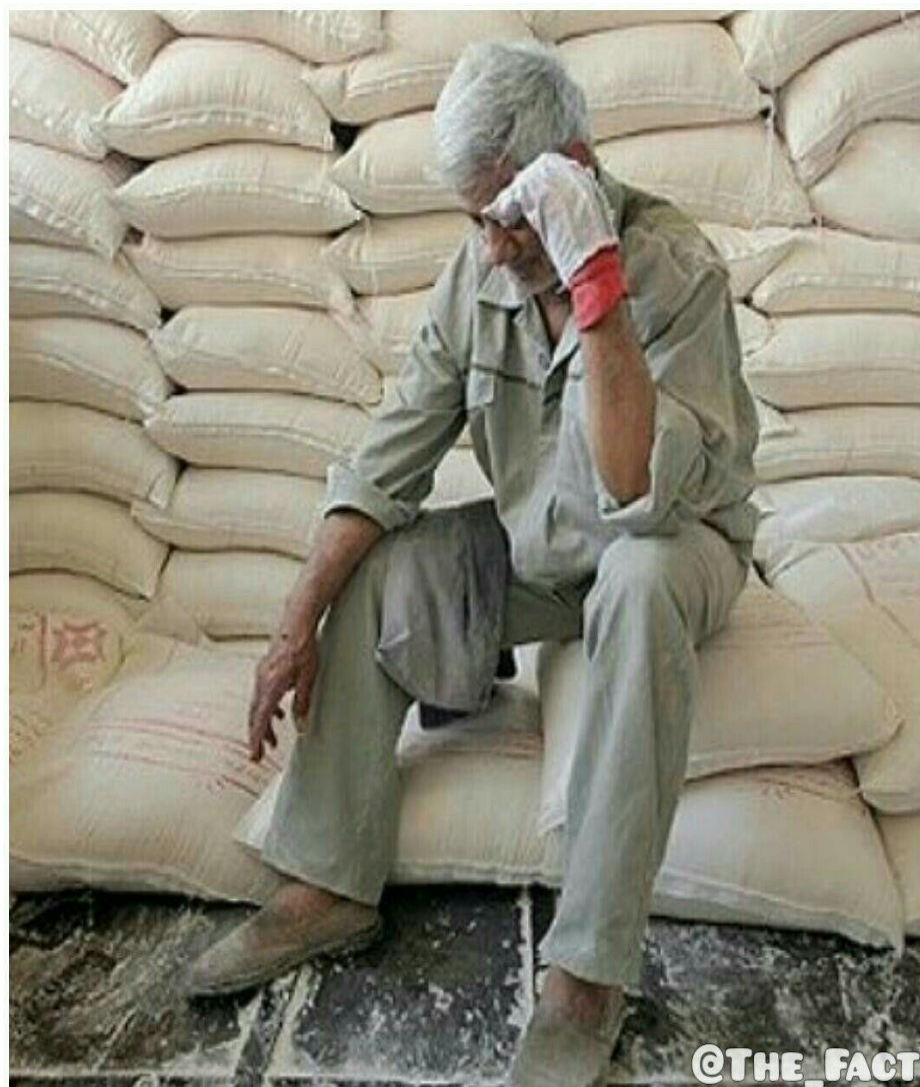
۲- کم ارزش کردن پول ملی در مقابل دلار

۳- حذف سوبسیدها در زمینه آموزش، درمان، غذا

۴- خصوصی سازی باز گذاشتن سرمایه داران داخلی برای غارت اموال عمومی

۵- واردات بی رویه

۶- تک محصولی کردن صادرات کشور



کارگر برای حمل هر کیسه آرد ۴۰ کیلویی ۵۰۰ تومن می‌گیرد، روزانه ۴۰ کیسه یعنی ۱۶۰۰ کیلو جابجا میکند بدون بیمه و احترام! دچار پیری و مرگ زودرس میگردد تا حمال در فرهنگ عامه فحش محسوب شود...